

آموزشی ابتداری



دانشگاه فرهنگستان
معاونت پژوهش و توسعه
معاونت پژوهش و توسعه

ISSN: 1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست و یکم - دی‌ماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی پیاپی ۱۶۹ - ۴۸ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir

رشد

عبدالعظیم کریمی:

کار معلم برهم زدن اقناع است

تغییر بنیادی در بنیاد اصلی

۳۸

آموزش مهارت‌های زندگی با هوش‌های چندگانه؛

فرهنگ صالح

۳۱

دام رقابت
و آسیب‌هاک آن

تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۱۳۹۶ / ۱۱ / ۳۰

یک از روش‌های نوین آموزشی مورد تأکید صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، «روش اکتشافی» است. روش مزبور بر این موضوع مبتنی است که «یادگیرنده مرکز ثقل یادگیری» است. در مصاحبه با آقای دکتر عبدالعظیم کریمی به برخی از جلوه‌ها و مصداق‌های این روش اشاره شده است.

به نظر شما:

ضرورت استفاده از روش اکتشافی در موقعیت واقعی آموزش در دوره‌ی ابتدایی چیست؟

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

ایمیل مجله ebtedayi@roshdmag.ir

آموزشی ابتدایی

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیست و یکم - دی ماه ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۱۶۹ - صفحه ۴۸ - ۱۱۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

سرمقاله - تغییر بنیادی در بنیاد اصلی / ۲

تقویم ماه - ۴

کت جادویی معلم - مدیریت ارتباط در کلاس درس / نوشته چنی مک کی / ترجمه: حبیب یوسفزاده / ۶

یادداشت - کتاب های الکترونیک در مدارس ابتدایی / ترجمه: دکتر نیره شاه محمدی / ۹

برنامه ی درسی - ریاضی / گسترش مفاهیم تفکر جبری در ریاضیات ابتدایی / سپیده چمن آرا / ۱۰

تربیت بدنی / معرفی بسته ی آموزشی تربیت بدنی در دوره ی ابتدایی / دکتر محسن حلاجی،

طیبه ارشاد / ۱۴

سلامت - ایمنی و پیشگیری از آسیب در ورزش / دکتر محسن وحدانی / ۱۶

تجربه ی مادرانه - به من رأی بدید! / اکبری محمودی / ۱۸

گفت و گو - کار معلم، برهم زدن اقصاع است / نصرالله دادار / ۲۰

نوشتر - راهبردهای تقویت مهارت های فراشناختی در فراگیرندگان / محسن خاورزاده / ۲۶

دام رقابت و آسیب های آن در دوره ی ابتدایی / سید روح الله پناهنده، تهمینه افراشته / ۳۱

آموزش مهارت های زندگی با هوش های چندگانه؛ فرهنگ صلح / بهرام قاسمی نژاد / ۳۸

آموزش چند پایه - از آموزش برای همه تا توسعه ی کیفیت آموزش و پرورش / مرضیه کهندل / ۲۸

گزارش - اقدام پژوهی راهی برای بالندگی / دکتر صغری ملکی / ۳۴

خاطره - تجربه - امین نی پور / ۳۶

مدرسه ی زیبای من - اعلام اسامی برندگان / ۴۲

همراهان / ۴۶



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.
- علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
دکتر فاطمه رضانی، صغری ملکی،
مهندس صادق صادق پور، محبت الله همتی
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
مشاوران این شماره: دکتر محسن وحدانی- رئیس گروه برنامه ریزی
درس تربیت بدنی دوره ی ابتدایی،
مرضیه کهندل- مدرس دانشگاه فرهنگیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸-۰۲۱
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸-۰۲۱
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag: [Instagram icon]
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن بازگانی:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۲۹۰۰۰



عکاس: محمد گلچین، طوالتش

عامل آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده است. ما معمولاً به تغییر در برنامه‌ها می‌اندیشیم، اما تغییر در آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده را نادیده می‌گیریم. ما با اصلاحات و تغییرات می‌خواهیم زندگی نو و متفاوتی خلق کنیم، غافل از اینکه برای داشتن زندگی متفاوت باید به شخص متفاوتی تبدیل شویم. برای اینکه دنیای بیرون خود را تغییر بدهیم، باید دنیای درونمان را تغییر بدهیم. در خانواده‌ی آموزش‌وپرورش، دائم بنا و قوانین زندگی خانه را تغییر می‌دهیم، اما اصل را بر این نمی‌گذاریم که باید ساکنان خانه تغییر کنند. ما از ساکنان خانه می‌خواهیم از قوانینی که تغییر یافته‌اند آگاهی داشته باشند و آن‌ها را اجرا کنند. اما توان درونی اعضای خانواده را برای این تغییر، تغییر

تغییر بنیادی در بنیاد اصلی

این روزها از تغییر بسیار سخن می‌گوییم و این واژه را بسیار می‌شنویم؛ از تغییر کتاب‌های درسی گرفته تا تغییر نظام آموزشی تا تغییر در طرح‌های کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش. این تغییرات در سال‌های اخیر بسیار شتاب گرفته‌اند و ممکن است عده‌ای آن‌ها را شتابزده تلقی کنند. هر نوع تغییری لزوماً رو به اصلاح نیست. بسیاری از تغییرات مشمول فرایند آزمایش و خطا می‌شوند. به تجربه دریافته‌ایم، کمتر به آزمایش و اصلاح رسیده‌ایم و بیشتر به خطا رفته‌ایم. چرا این اتفاق می‌افتد؟ برای اینکه حل مسئله را از همان جایی شروع می‌کنیم که در آن گرفتار آمده‌ایم. مسئله‌ی آموزش‌وپرورش ما چیست که هر چه جلوتر می‌رویم، تلاش‌های صادقانه‌ی دست‌اندرکاران تغییر هم پاسخگوی حل آن‌ها نیست یا هر راه‌حل تازه‌ای، پس از مدتی مسائل تازه‌تری به وجود می‌آورد. به نظر می‌رسد نکته‌ی فراموش‌شده‌ای در میان باشد. آنچه مغفول باقی می‌ماند،

اندیشه‌ی معلمی

الهام فراستی

معلم
خوب، عاشق یاد
دادن است و معلم
ماهر عاشق
یاد گرفتن.

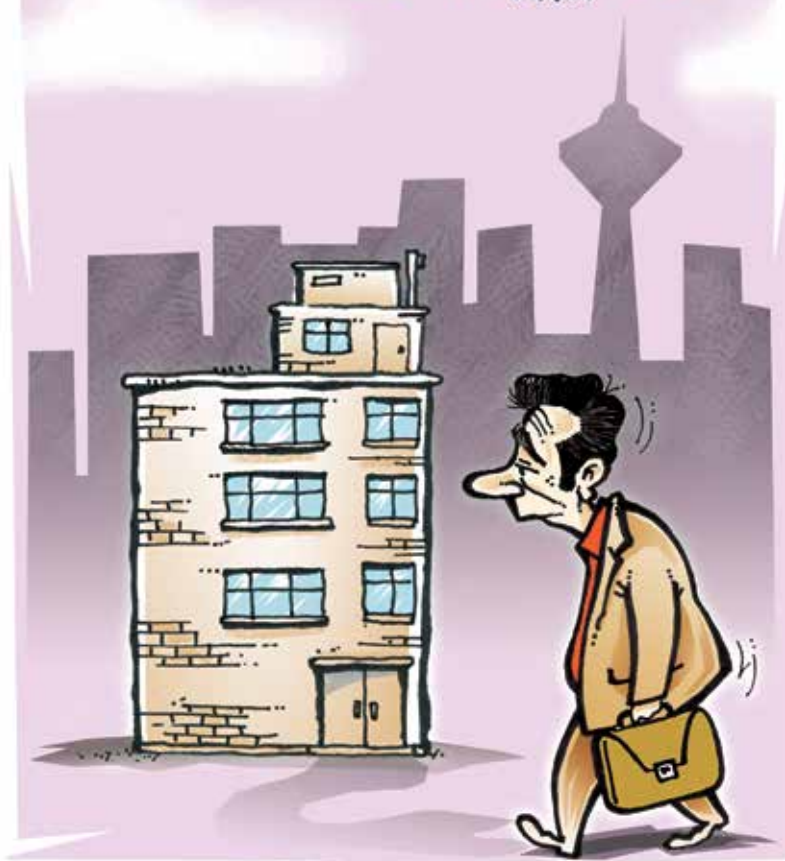
تأثیری
که معلم
خوب می‌گذارد،
هرگز فراموش
نمی‌شود.

کسی
که شهامت
آموختن دارد،
هرگز از یاد گرفتن
دست نمی‌کشد.

معلم
خوب می‌تواند
همه چیز را بیاموزد،
حتی چیزهایی که
خودش نمی‌تواند
انجام دهد.



قبل از تغییر بنیادی...



نداده‌ایم. تغییر مهمی که باید صورت بگیرد و ما معمولاً زیر بار این تغییر نمی‌رویم، این است که نگاه ما به کودک و کودکی باید تغییر کند. معلم باید تغییر کند و این تغییرات فقط منطبق شدن با فضا و شرایط روز دنیا نیست، بلکه بازگشتی اصولی و عمیق به درون، منطبق بر فطرت و طبیعت انسانی است. لایه‌لای واژه‌ها و سطرهای تحول بنیادی نظام آموزش و پرورش به این نکته توجه قابل ستایشی شده است، لیکن توجه به موضوع اصلی (کودک و معلم)، لایه‌لای طرح‌ها و برنامه‌ها به فراموشی سپرده می‌شود. توصیه می‌کنم گفتگوی ما با دکتر عبدالعظیم کریمی را با دقت، تأمل و تعمق بیشتری مطالعه کنید. ■

بعد از تغییر بنیادی...



من
یاد گرفته‌ام بیشتر
از اینکه معلم خوبی
باشم، دانش‌آموز بهتری
باشم و به درس‌هایی که از
دانش‌آموزانم یاد می‌گیرم
احترام بگذارم.



۲۰ دی

کارکردهای آموزشی و تربیتی

میرزا تقی خان فراهانی، ملقب به امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار بود.

۱ آگاهی از زندگی امیرکبیر و افکار او و

۶ دی، مصادف با ۶ ربیع الثانی

کارکردهای آموزشی و تربیتی

۱ شرح شیوهی زندگی ایشان و چگونگی مبارزات این امام.

۲ عشق‌ورزی به انتمی اطهار و زندگی آن‌ها را سرلوحه قرار دادن.

۳ شرحی از حرم مطهر آن حضرت که در سامرا عراق قرار دارد و زیارتگاه شیعیان جهان است.

۴ گفت‌وگو درباره‌ی امام دوازدهم و چگونگی و چرایی غیبت ایشان که فرزند امام حسن عسکری (ع) هستند.



در صفحه‌ی تقویم ماه تلاش می‌کنیم بعضی از مناسبت‌ها را زیر ذره‌بین ببریم تا ببینیم کدام موقعیت یادگیری یا آموزشی را می‌توانیم از آن استخراج کنیم. گرامیداشت مناسبت‌ها می‌تواند هویت شخصی، ملی و دینی دانش‌آموزان را شکل بدهد و آن‌ها را در جریان چگونگی بعضی شغل‌ها و مناسبت‌ها قرار بدهد. آموزگاران عزیز می‌توانند با رجوع به نشریات رشد دانش‌آموزی و جلب توجه دانش‌آموزان به صفحه‌ی تقویم، موقعیت یادگیری بیشتری برای آن‌ها فراهم کنند. از خوانندگان گرامی درخواست داریم برای پربار شدن این صفحه تجربه‌ها و پیشنهادهای خود را در قالب ارائه شده در این صفحه برای ما ارسال کنند تا به نام خودشان چاپ شود. ■



ولادت حضرت عیسی مسیح (ع)

۴ دی

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ شناخت پیامبری رسالت‌مدار که کتاب آسمانی «انجیل» را آورد.
- ۲ آگاهی از زندگی حضرت عیسی (ع) و شناخت مادرش حضرت مریم (س) و داستان‌های زندگی ایشان.
- ۳ اطلاعاتی درباره‌ی دو تقویم میلادی و شمسی و تفاوت آن‌ها.
- ۴ آغاز سال نوی مسیحی و جشن مسیحیان در این روز.
- ۵ توضیح موضوع زنده بودن و به معراج رفتن حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن.



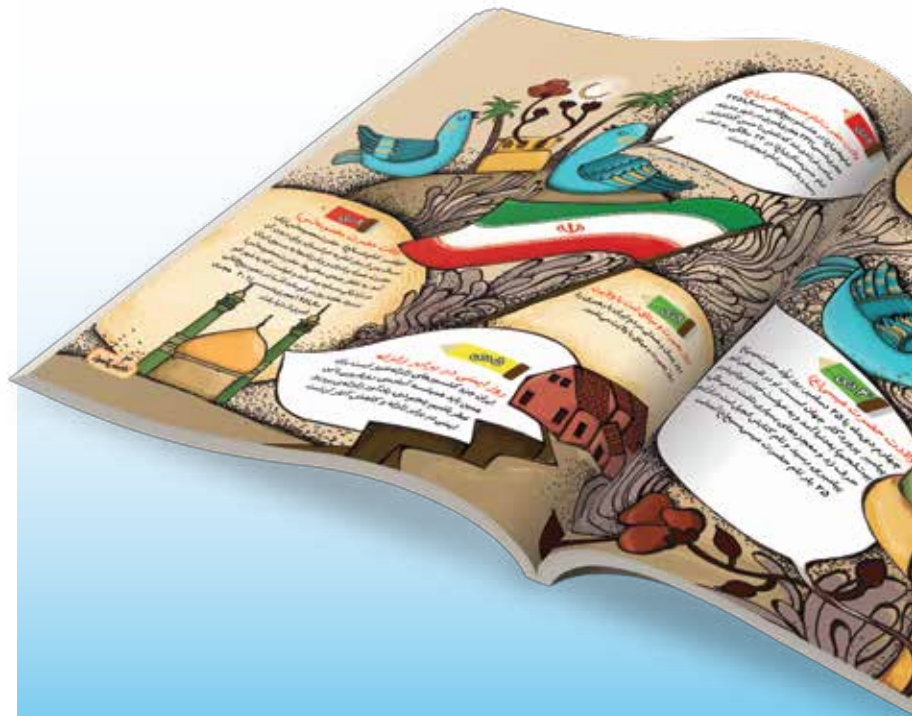
روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی

۵ دی

کارکردهای آموزشی و تربیتی

سالروز زلزله‌ی بم در ۵ دی‌ماه ۱۳۸۲ روز «ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی» نام‌گذاری شده است.

- ۱ بیان چپستی و چرایی وقوع زلزله.
- ۲ شناخت و آگاهی دادن به دانش‌آموزان درباره‌ی زلزله، به‌عنوان یکی از بلایای طبیعی و بالا بردن سطح آگاهی به‌منظور کاهش اثرات و خسارات احتمالی ناشی از بلایای طبیعی.



مجله‌ی رشد دانش آموز
شماره ۴- سال تحصیلی ۹۶-۹۷

شهادت امیر کبیر

- تبعیدش به کاشان و نحوه‌ی شهادت ایشان با امضای شاه قاجار .
 ۲ گرامیداشت یاد و خاطره‌ی ایشان و بزرگ نگه داشتن یاد بزرگان وطن.
 ۳ شناخت یکی از بهترین وزیران ایران.
 ۴ شرح تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون و روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه به خاطر اعتقاد او به ضرورت انجام کار فرهنگی بر ای توسعه‌ی کشور .

۹ دی روز بصیرت و میثاق با ولایت

- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
 ۱ تعریف حماسه‌ی ۹ دی ماه بر این مینا که مردم حافظ اصلی دین و میهن خود هستند و هر جا لازم باشد به میدان می‌آیند.
 ۲ گفت‌وگو درباره‌ی مفهوم واقعی بصیرت و میثاق با رهبری

۲۶ دی فرار محمدرضا پهلوی

- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
 در این روز محمدرضا پهلوی آخرین پادشاه نظام سلطنتی ایران، به دلیل ترس از مبارزات انقلابی مردم ایران، به رهبری امام خمینی (ره)، از ایران خارج شد.
 ۱ بازگویی علت فرار شاه معدوم از ایران
 ۲ آگاهی از زمان پایان سلطنت و آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)
 ۳ شرح چگونگی مبارزات مردم ایران و اتحاد آنان تاسرنگونی نظام سلطنتی

وفات حضرت معصومه (س)

۸ دی، مصادف با ۱۰ ربيع الثانی



- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
 ۱ شرح ساده‌زیستی و مراتب علمی ایشان
 ۲ تعریف داستانی از زندگی ایشان.
 ۳ شناخت و معرفی حرم مطهر حضرت معصومه (س) در شهر قم، به‌عنوان زیارتگاه مسلمانان.

۱۷ دی سالروز اجرای طرح استعماری حذف حجاب به دست رضاخان

- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
 ۱ شرح نمونه‌های غریب‌دگی شاه اول پهلوی.
 ۲ اشاره به کشتار مردم در مسجد گوهرشاد مشهد به خاطر داشتن حجاب.
 ۳ موفق نبودن این فرمان به دلیل اعتقادات مذهبی مردم ایران.

۱۹ دی قیام مردم قم در سال ۱۳۵۶

- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
 در این روز به رهبری روحانیت، مردم قم علیه رژیم شاه قیام کردند و نظامیان آن‌ها را به خاک و خون کشیدند.
 ۱ این قیام در اعتراض به درگذشت مشکوک فرزند امام خمینی (ره) بود که به شروع اعتراض‌های مردمی منجر و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل شد.

شهادت امام حسن عسکری (ع)



مدیریت ارتباط در کلاس درس

نویسنده در این بخش می‌کوشد معلمان را در مدیریت کارآمد امور کلاس یاری کند و به آن‌ها پیامزد نسبت به تأثیر بازخوردهای خود بر رفتار دانش‌آموزان حساس باشند. به عبارت دیگر، سعی دارد لزوم بازخوردهای ماهرانه، اهمیت مدیریت خود و درک کردن دانش‌آموزان و نیازهای آن‌ها را گوشزد کند.



یا تشدید مشکلات رفتاری که هدف اصلی فرایند مدیریت تعاملی است.

۲ **اصلاح:** تصحیح قاطعانه‌ی سوء رفتار و مدیریت فعالانه‌ی رفتار دانش‌آموزان.

۳ **حمایت:** با حمایت و تشویق معلم، دانش‌آموزان رفتار خود را مدیریت کنند.

را شکل دهد. در این بخش با فرایند مدیریت تعاملی و نکات مهم و ضروری کاربرد عملی آن آشنا می‌شوید.

این فرایند بر پنج ستون استوار است که عبارت‌اند از:

۱ **پیشگیری:** پیشگیری از بروز، تکرار

بعد از ترسیم اهداف و ضوابط رفتاری (که در شماره‌ی قبل شرح داده شد)، مرحله‌ی بعدی اعمال چارچوبی رفتاری، تمرکز بر تعاملات معلم-دانش‌آموز و طراحی سیستم مدیریت بهینه‌ای است که بتواند روابط کاری مثبت و ماندگاری

۱۴ رصد کردن: مدیریت عوامل

گوناگون در هنگامی که دانش‌آموزان از خط خارج می‌شوند و سوق دادن آن‌ها به پرهیز از خطاها و اصلاح کردن رفتارشان.

۱۵ تصدیق کردن: ایجاد حس

ارزشمندی در دانش‌آموزان، با تصدیق موفقیت‌های کوچک آن‌ها و بالا بردن میزان انگیزه و مشارکت در آن‌ها.

نکته‌ی مهم این است که معلمان برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، باید بتوانند ترکیبی از این ترفندها را به کار گیرند. یعنی شاید لازم باشد هم‌زمان با اصلاح قاطعانه‌ی خطاها، با صحنه گذاشتن بر نقاط قوت دانش‌آموزان، آن‌ها را به اصلاح رفتار خویش ترغیب کنند. قبل از ادامه‌ی بحث لازم است به چند نکته‌ی اساسی در روابط معلم - دانش‌آموز توجه کنیم:

هر رفتار پیامی دارد

هنگامی که دانش‌آموزان در روابط خود با معلم احساس امنیت کنند و بتوانند از نظر عاطفی و اجتماعی با محیط مدرسه کنار بیایند، به ندرت ممکن است سوء رفتار نشان دهند. سوء رفتار اولین نشانه‌ی ناسازگاری دانش‌آموزان است. در پس هر رفتاری معمولاً چند حس قوی مثل نگرانی، ترس، خشم، ناراحتی و خستگی نهفته است که در واقع علل آن رفتار هستند. وقتی دانش‌آموزان احساس خوبی ندارند، نخواهند توانست به خوبی از عهده‌ی کارها بر آیند، بنابراین شرایط ذهنی خود را از طریق سوء رفتار بروز خواهند داد. رفتار پیامی است که نشان می‌دهد فرد چه احساس و عکس‌العملی نسبت به دنیای اطراف خود دارد. مهارت اساسی مدیریت رفتار به توانایی جست‌وجو، مشاهده و رمزگشایی از پیام‌هایی بستگی دارد که افراد سعی دارند با رفتار و به‌خصوص با سوء رفتار خود نشان دهند. توانایی

کشف این پیام‌ها به معلمان امکان خواهد داد رفتار دانش‌آموزان را مقتدرانه مدیریت کنند و نه تنها نسبت به خود رفتار، بلکه نسبت به پیام آن واکنش مناسبی نشان دهند. این کار از طریق دقیق شدن در رفتار منفی دانش‌آموز و سپس تشخیص پیام‌های آن امکان‌پذیر خواهد بود. گاهی اوقات همین دقیق شدن موجب می‌شود دانش‌آموز دست از بدرفتاری بکشد. به علاوه، با این نگرش می‌توانید در واکنش‌های معمول خود نسبت به بدرفتاری بچه‌ها تغییر ایجاد کنید و در عوض واکنش حساب‌شده‌ای را برگزینید که نتیجه‌ی مثبت معینی در پی داشته باشد.

واکنش به رفتار و پیام آن

فهم علل رفتار، معلمان را قادر می‌سازد واکنش‌هایی از خود نشان دهند که بدون لطمه زدن به شخصیت و حرمت طرفین، به اصلاح رفتار دانش‌آموزان منجر شود. به هر حال، معلمان باید یک قدم جلوتر باشند و بدانند کلید تغییر رفتار در «گفتن» یا «شدت عمل» نیست، بلکه به درک مشکل و پاسخ مناسب در برابر آن بستگی دارد. اجازه دهید اعتراف یک معلم تازه‌کار به نام هیم جینات^۱ را در این باره مرور کنیم: «به این نتیجه‌ی وحشتناک رسیده‌ام که من عاملی تعیین‌کننده در کلاس هستم. فهمیده‌ام نگرش شخصی من جو حاکم بر کلاس را شکل می‌دهد. حال و هوای کلاس با حال و هوای من رابطه‌ی مستقیم دارد. به عنوان معلم، قدرتی باور نکردنی دارم تا زندگی کودکی را به لجن بکشم یا او را خوشبخت کنم. من می‌توانم وسیله‌ی شکنجه یا ابزاری الهام‌بخش باشم. می‌توانم تحقیر کنم یا بخندانم و آسیب بزنم یا التیام بخشم. در هر شرایطی، این واکنش من است که تعیین می‌کند یک بحران تشدید شود

یا فروکش کند و انسانیت در وجود یک کودک شکل بگیرد یا نگیرد.»

بله، واکنش معلم تعیین‌کننده است. وقتی معلم‌ها بدون بینش و فهم کافی در برابر رفتاری واکنش نشان می‌دهند، ناخواسته به رفتارهای منفی دامن می‌زنند و حتی خود را در تقابل شدید با دانش‌آموزان قرار می‌دهند. این باور که رفتار فلان دانش‌آموز غیر قابل تحمل است، می‌تواند به خشم و حتی ناامیدی و انصراف وی از تحصیل منجر شود. یا حتی بدتر از آن، معلم خشمگین ممکن است دست به کارهایی بزند که وضع را بدتر کند و دور باطل تنبیه و انتقام را موجب شود.

هنگام مواجهه با سوء رفتار، واکنش معلم الگوی تعامل بین او و شاگردش را تعیین می‌کند. به این مثال توجه کنید که در آن دانش‌آموزی بدون اجازه در کلاس راه می‌رود و باعث حواس‌پرتی دیگران می‌شود:

معلم: «تیل! این قدر وول نخور، برو بنشین روی صندلی خودت.»

دانش‌آموز: «نمی‌تونم، دارم دنبال یه مداد می‌گردم.»

معلم (دست به سینه و با تحکم): «قبلاً باید دنبالش می‌گشتی، کاری رو که می‌گم بکن، همین حالا!»

دانش‌آموز: «نمی‌شه، می‌خوام از بچه‌ها یه مداد رنگی بگیرم.»

و زیر لب غر می‌زند: «مگه چه اشکالی داره؟»

معلم: «چون که من دارم بهت می‌گم.» دانش‌آموز (با لحنی سستیزه‌جو): «دلم نمی‌خواد به هر چی تو می‌گی گوش کنم...»

و به این ترتیب تنش ادامه می‌یابد... در اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ اگر جای این معلم بودید، چه احساسی داشتید؟ دانش‌آموز چه احساسی می‌داشت؟ سایر دانش‌آموزان چه می‌کردند؟ احساس

آن‌ها نسبت به این پارازیت چه می‌بود؟
سر جریان تدریس و یادگیری چه بلایی
می‌آمد؟ در این وضعیت، دانش‌آموزان
کلاس چه چیزی یاد می‌گیرند و چه
کسی تحت کنترل است؟

چه اتفاقی باید می‌افتاد؟ از کجا کار
خراب شد؟ این معلم می‌خواهد
دانش‌آموز سرجایش بنشیند و
واکنش نسنجیده‌ای از خود نشان
می‌دهد. این واکنش تحت تأثیر
نوعی برانگیختگی عصبی و بی‌اختیار
و بی‌ملاحظه صورت می‌گیرد. هر
واکنش عقلانی ریشه در کنترل افکار
و آمادگی برای تعاملاتی دارد که خود
نتیجه‌ی درک پیام یک رفتار است. به
نوعی می‌توان گفت، معلم باید یک گام
از خودش جلوتر باشد و سعی کند به
جای واکنش عصبی، در برابر سوء
رفتارها عکس‌العمل عقلانی نشان دهد.
کلید تغییر رفتار در تذکرات مکرر یا
واکنش‌های بی‌اختیار نیست، بلکه در
پاسخ صحیح به آن رفتارهاست. وقتی
پاسخی در خور انتظار داده می‌شود،
معلم می‌تواند کنترل تعاملات و نتایج
آن‌ها را در دست گیرد. حالا به این
نمونه‌ی مشابه توجه کنید که در آن
معلم برخورد متفاوتی دارد:

معلم (در حالی که به صندلی نیل اشاره
می‌کند): «نیل! روی صندلی خودت.»
دانش‌آموز: «نمی‌تونم، می‌خوام از مایکل
یه مداد قرض بگیرم.»
معلم (به آرامی تکرار می‌کند): «روی
صندلی خودت نیل، ممنونم ازت!»
دانش‌آموز زیر لب غر می‌زند و می‌گوید:
«نمی‌فهمم چه اشکالی داره که از یه نفر
مداد بگیرم.»

معلم غر زدن دانش‌آموز را ندیده می‌گیرد
و می‌گوید: «آفرین نیل، ممنونم.»
دانش‌آموز همین‌طور که هنوز غر می‌زند،
به صندلی خود برمی‌گردد. وقتی دست
از غر زدن برمی‌دارد و کتابش را روی



میز می‌گذارد، معلم به طرفش می‌رود و
می‌گوید: «تو حالت خوبه؟ بیا با مداد من
بنویس تا سر فرصت مداد خودتو پیدا
کنی... خیلی خب بچه‌ها، درس امروز را
شروع می‌کنیم.»

با این وصف، می‌توان گفت مهارت
مدیریت تعاملات یعنی دانستن اینکه
برداشتن چه گامی ما را به نتیجه‌ی مورد
انتظار می‌رساند. اگر معلم بدون فکر و
فقط مبتنی بر یک واکنش عصبی وارد
موضوعی شود، اگر درنگ کند و از خود
تردید نشان دهد و اگر ظاهرش نشان
دهد که کنترل خود را از دست داده
است، با این کار در را باز گذاشته است
تا دانش‌آموز وارد عمل شود و سکان
فرایند را در دست گیرد. در این حالت،
دانش‌آموز رشته‌ی امور را به دست
خواهد گرفت و بازگرداندن آن به وضع
سابق دشوار خواهد بود.

نکته: همیشه این‌طور نیست که بلافاصله
بتوانید اقدام صحیح را تشخیص دهید.
مهم این است که فرصت بررسی انواع
گزینه‌ها را به خودتان بدهید.

انتخاب پاسخ‌ها برای رسیدن به نتایج مطلوب

بین «محرک» و «پاسخ» همیشه
فاصله‌ای هست. در این فاصله است که

شما فرصت و قدرت انتخاب «پاسخ» را
دارید. در پاسخ شما رشد و نشاط نهفته
است. به‌راستی ما چگونه به رفتارها
پاسخ می‌دهیم؟ فهم اینکه من امکان
انتخاب پاسخ را دارم، کلید مدیریت
هر شرایطی است. از آنجا که رفتارها
ابراز ناخودآگاه احساسات و عواطف
هستند، بسیار مهم است که نسبت
به رفتارهای دانش‌آموزان و پیام‌های
مربوطه حساس باشید. برای این کار
قبل از هر چیز باید در مورد رفتارها و
سامان‌دهی آن‌ها فکر کنید و آمادگی
لازم برای طیف گسترده‌ای از شرایط
ممکن را داشته باشید. آنگاه کم‌کم یاد
خواهید گرفت که فی‌البداهه برنامه‌ریزی
کنید، به‌موقع مکث کنید، واکنش
عصبی بروز ندهید و خود را قادر سازید
پاسخی را انتخاب کنید که بهترین
نتیجه را در پی داشته باشد. همچنین
بعد از مواجهه با هر شرایطی، باید برای
آینده برنامه‌ریزی کنید و از خود بپرسید:
«دفعه‌ی بعد چه کار بهتری می‌توانم
انجام دهم؟» یا «چطور می‌توانم از تکرار
چنین اتفاقی جلوگیری کنم؟»
همین‌طور که برنامه‌ریزی می‌کنید، با
اشرافی که بر رفتارها پیدا می‌کنید،
در می‌یابید که از کدام جیب‌های کت
جادویی خود استفاده کنید. اگر نگاه
شما مثبت باشد، مهارت‌هایی را به
کار خواهید گرفت که دانش‌آموزان را
برانگیزد و آن‌ها را به تلاش بیشتر ترغیب
کند. با رصد کردن نقاط قوت بچه‌ها و
تشویق آن‌ها بهتر می‌توان آنان را به
رفتارهای پسندیده سوق داد و برعکس،
با تمرکز بر نقاط ضعف و به رخ کشیدن
مکرر ناتوانی‌هایشان، ممکن است به
رفتارهای ناشایست آنان دامن بزنیم. ■

پی‌نوشت

1. Haim Ginott



کتاب‌های الکترونیک در مدارس ابتدایی

صرفاً قرار دادن کتاب‌های الکترونیکی به جای کتاب‌های درسی ممکن است تنها منجر به کاهش دادن وزن کیف‌های مدرسه‌ی دانش‌آموزان شود، در حالی که دانش‌آموزان باید به کتاب‌های درسی مرتبط با عنوان‌های موضوعات درسی و با کیفیت بالا هم دسترسی داشته باشند.

ملاحظات خرید

روند خرید کتاب‌های الکترونیکی آسان است. این کتاب‌ها را می‌توان به صورت آن‌لاین به سرعت خرید و در اختیار گرفت؛ گرچه نسخه‌های فعلی کتاب‌های الکترونیکی در دسترس نسخه‌هایی غیرپویا از کتاب‌های درسی کاغذی هستند و محتوای محدود تعاملی را شامل می‌شوند. مدارس باید آگاه باشند که نسخه‌ی نمایشی کتاب الکترونیکی ممکن است عملکرد کلی کتاب الکترونیکی را بازتاب ندهد. علاوه بر این، کتاب‌های الکترونیکی برای نمایش به یک دستگاه رایانه یا موبایل مناسب نیاز دارند و برخی از دستگاه‌های نمایش الکترونیکی مانند آی‌پد اپل آن‌ها را پشتیبانی نمی‌کنند. دیگر آنکه، کتاب الکترونیکی را می‌توان به طور مستقیم با کد مجوز نصب آن روی رایانه برای دوره‌ای یک یا چندساله خرید. البته این موضوع، امکان دادن این کتاب‌ها به خواهر یا برادر کوچک‌تر یا سایر دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ■

منابع

Teaching matters (2012) E-books in the Primary Classroom, In Touch December 2012 issue no132.

امروزه کتاب‌های الکترونیک جای خود را در سیستم آموزشی، اگرچه کم‌رنگ و نوپا، باز کرده‌اند. یکی از سؤالات معلمان ابتدایی این است که آیا این کتاب‌ها در مقایسه با کتاب‌های کاغذی و چاپی می‌توانند به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمک کنند؟

کتاب الکترونیکی چیست؟

کتاب الکترونیکی نسخه‌ی الکترونیکی یا دیجیتالی کتاب است که در اشکال گوناگون ممکن است به صورت برخط خوانده شود یا روی کامپیوتر، لپ‌تاپ یا تبلت شخصی دانلود شود. دیکشنری اکسفورد کتاب الکترونیک را «نسخه‌ی الکترونیکی از کتابی چاپی» تعریف کرده است. البته کتاب الکترونیکی آموزشی از دیگر انواع کتاب الکترونیکی مانند رمان متفاوت است، زیرا علاوه بر متن و محتوای تصویری، پیوندهای اینترنتی، انیمیشن و فیلم، محتوای تعاملی، فعالیت و ارزشیابی نیز دارد. کتاب‌های الکترونیکی آموزشی امکان درج یادداشت را نیز برای معلمان و دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

ویژگی کتاب الکترونیکی و محتوای دیجیتال

کتاب‌های الکترونیکی آموزشی شکلی از محتوای آموزشی بسته‌بندی شده (بسته‌ی آموزشی) در حوزه‌ی برنامه‌های درسی و یادگیری را ارائه می‌دهند. در مقایسه با کتاب‌های چاپی قابلیت‌های بیشتری مانند محتوای پویا و تعاملی و فعالیت‌های سطوح بالای تفکر دانش‌آموزان به کتاب درسی را اضافه می‌کنند. چه از نظر سخت‌افزار و چه

از نظر نرم‌افزار برای خواننده شدن در قالب‌های متنوع‌تر و داشتن کیفیت بهتر در تصاویر نمایشی، بر کتاب‌های کاغذی ارجحیت دارند. دانش‌آموز کتاب الکترونیکی را می‌تواند همه جا، برای مثال در موبایل خود، همراه داشته باشد و هر زمان احساس کند فرصت مطالعه دارد، به راحتی می‌تواند به هزاران کتاب الکترونیکی ذخیره شده در حافظه‌ی گوشی خود مراجعه کند. از سوی دیگر، با خرید کتاب‌های الکترونیکی کاغذ کمتری هم مصرف می‌شود و این امر به قطع کمتر درختان و حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند. به این ترتیب، حمل و نقل تعداد بسیار زیادی عنوان کتاب در حافظه‌ی دستگاه‌های الکترونیکی، امکان‌هایی چون جست‌وجوی بخش‌ها یا کلمات خاصی در کتاب و حفظ محیط زیست، همه از خوبی‌های کتاب‌های الکترونیکی‌اند.

ملاحظات آموزشی

گرچه استفاده از کتاب‌های الکترونیک و سایر اشکال محتوای دیجیتال باید مکمل دستیابی دانش‌آموزان به نتایج یادگیری باشد، اما نگرانی عمومی رایج بین معلمان در مورد تمرکز بیش از حد بر کتاب‌های درسی به جای تمرکز بر نتایج یادگیری است. به عبارت دیگر،

گسترش مفاهیم تفکر جبری در ریاضیات ابتدایی

در جدول‌های تناسب.



یا تفريق متناظر هستند. در پایه‌ی چهارم دبستان، ماشین‌ها متناظر با ضرب یا تقسیم هستند (ص ۱۲)

و علاوه بر نمایش تصویری، جدول مقادیر ورودی و خروجی نیز معرفی شده است. آشنایی با نمایش‌های مختلف یک مفهوم (تصویر، نماد، جدول برای مفهوم تابع) و توانایی حرکت بین این بازنمایی‌ها و استفاده‌ی مناسب و به جا از هر یک از آن‌ها در موقعیت‌های متفاوت، از دیگر توانایی‌های لازم در آموزش جبر است که در رویکرد تابعی می‌توان به آن توجه خاص کرد. متأسفانه این نمایش (ماشین‌های ورودی - خروجی) و قابلیت‌های آموزشی آن‌ها، در همین پایه رها می‌شوند.

مفهوم مقدار متغیر هم در این ماشین‌ها وجود دارد و هم در پایه‌ی سوم دبستان در مسائل کلامی که با راهبرد الگویابی حل می‌شوند (ص ۹). در تصویر زیر از کتاب ریاضی سوم دبستان از بازنمایی جدول برای نمایش تغییرات در یک مقدار و وابستگی مقداری دیگر به آن (وابستگی سود به تعداد بیسکویت‌ها) استفاده شده است. بازنمایی تصویری ماشین نیز می‌تواند در درک متغیر بودن مقادیر و وابستگی آن‌ها به یکدیگر مفید باشد.

تعداد بیسکویت	سود
۱	۱۰۰
۲	۲۰۰
۳	۳۰۰
۴	۴۰۰
۵	۵۰۰



متغیرها و توابع

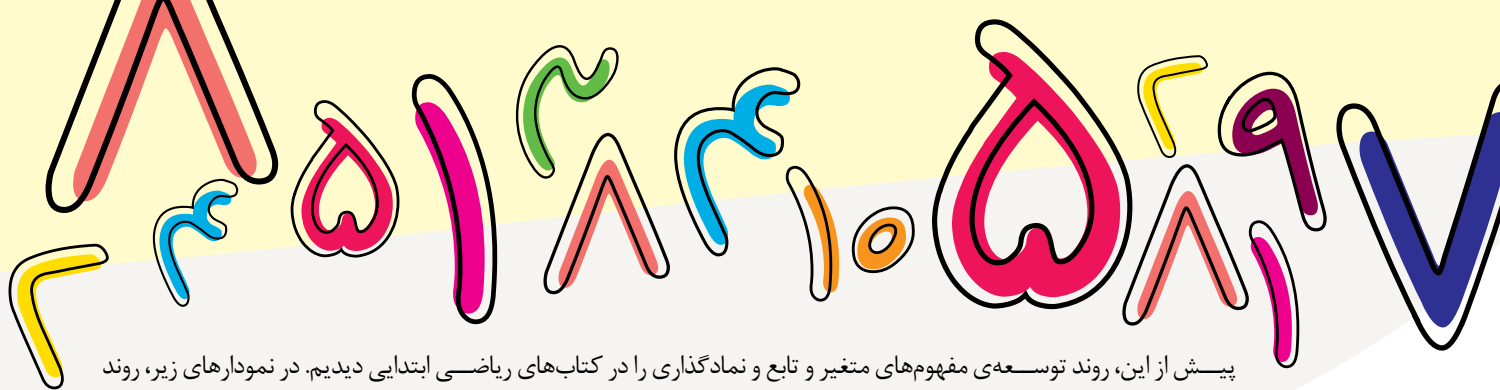
از نقطه‌نظر تاریخی، گرچه تابع رسماً جزئی از جبر نبوده است ولیکن امروزه بسیاری از محققان رویکردی برای شروع جبر در ریاضیات مدرسه‌ای را قبول دارند که در آن «متغیر» و «تابع» دو مفهوم کلیدی هستند. در یک رابطه (فرمول)، متغیر، کمیتی است که مقدار آن تغییر می‌کند. تابع یک شیء ریاضی است که نشان می‌دهد چگونه یک متغیر وابسته به متغیر دیگری در حال تغییر است. آموزش مفهوم متغیر و نمایش آن با حروف در جبر همواره چالش‌های جدی داشته و دارد. در رویکردهای جدید آموزشی، مفهوم تابع و متغیر به صورت‌های گوناگون وارد ریاضیات دوره‌ی ابتدایی شده است. در کتاب‌های ریاضی ابتدایی ایران، ماشین‌های ورودی - خروجی درواقع نمایش تصویری تابع و متغیرهای عددی هستند. این ماشین‌ها در کتاب ریاضی سوم دبستان (ص ۱۳) معرفی می‌شوند. در این پایه، ماشین‌ها با عملیات جمع

نمادگذاری

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جبر، نمادها هستند. درواقع، می‌توان جبر را یک سیستم نمادین دانست، که احتمالاً با نظریه‌ی مجموعه‌ها و اعمال منطقی و عمل روی اعضایی به جز اعداد حقیقی سر و کار دارد. اما در آموزش ریاضیات مدرسه‌ای، نمادها باید برای کمک به جنبه‌های دیگر تفکر جبری توسعه پیدا کنند؛ یعنی درک و شناخت الگوها، روابط، توابع و متغیرها، و گذر از حساب در اینجا قصد نداریم به اینکه چه روشی برای آغاز معرفی نمادگذاری مناسب است بپردازیم. تنها آنچه را در کتاب‌های درسی ریاضی ابتدایی آمده است

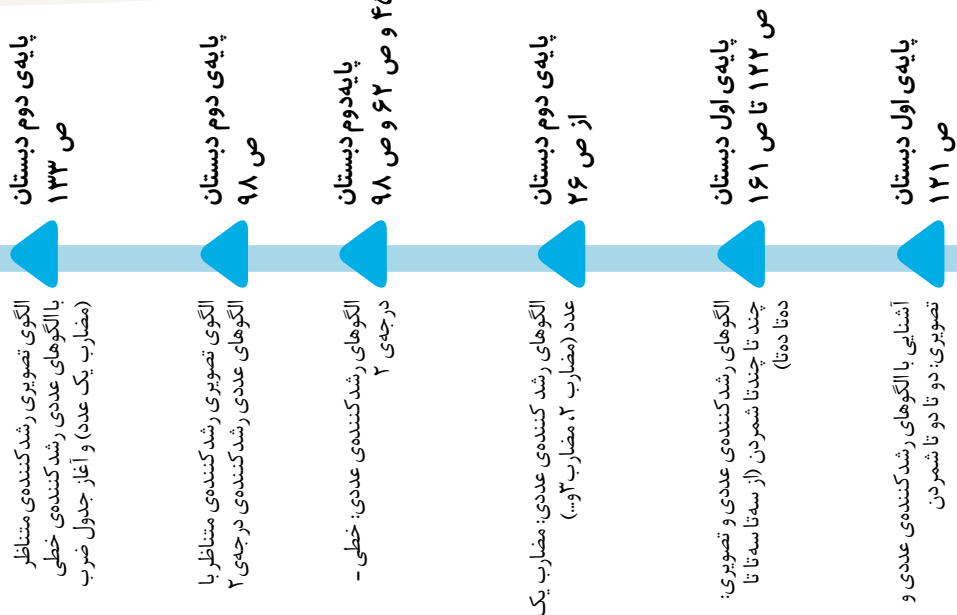


مرور می‌کنیم. استفاده از نماد برای نمایش روابط، نخستین بار در کتاب ریاضی ششم ابتدایی آمده است (ص ۲). نمایش کلی عددهای زوج یا عددهای فرد با استفاده از شکل‌های مربع یا دایره درواقع آغاز معرفی نماد به‌عنوان زبانی برای بیان روابط است. این معرفی برای نمایش ضرب‌های اعداد نیز ادامه می‌یابد و درواقع توسعه‌ی نمادگذاری در دوره‌ی ابتدایی به همین جا ختم می‌شود.



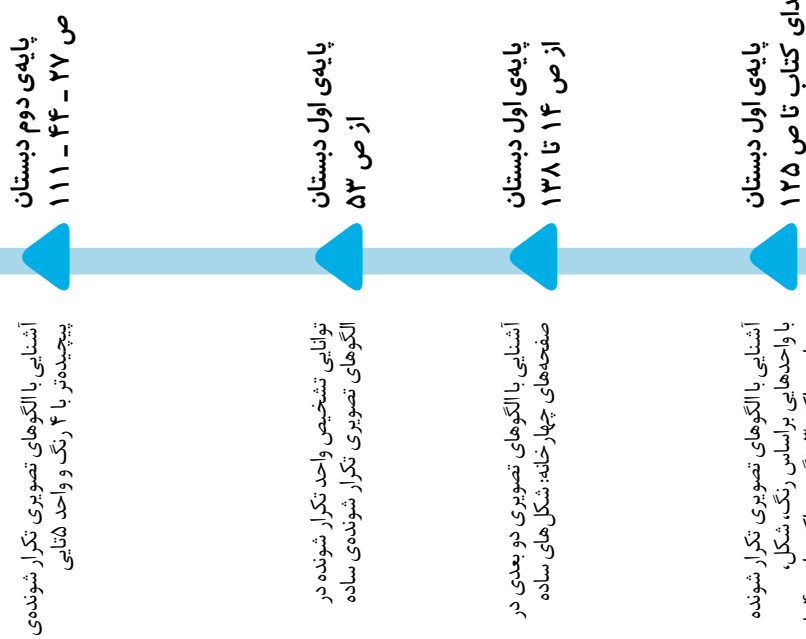
پیش از این، روند توسعه‌ی مفهوم‌های متغیر و تابع و نمادگذاری را در کتاب‌های ریاضی ابتدایی دیدیم. در نمودارهای زیر، روند توسعه‌ی الگوها و روابط را می‌بینید:

رشد الگوهای عددی



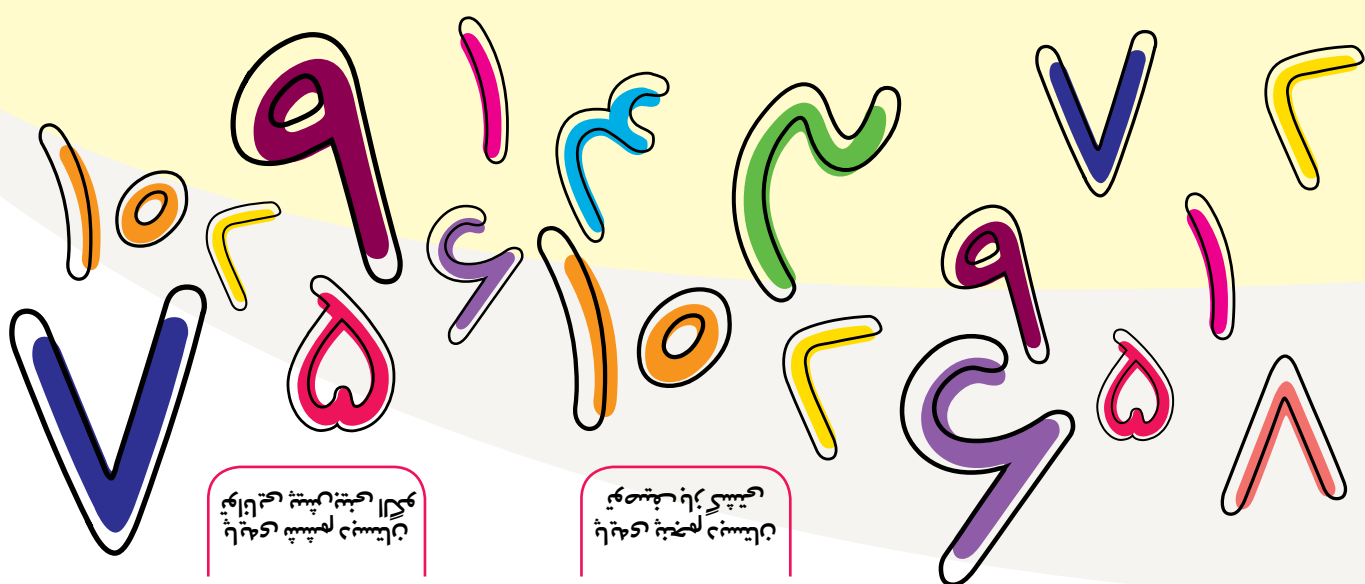
رابطه‌ی طولی

الگوهای رشد‌کننده (تصویری - عددی)



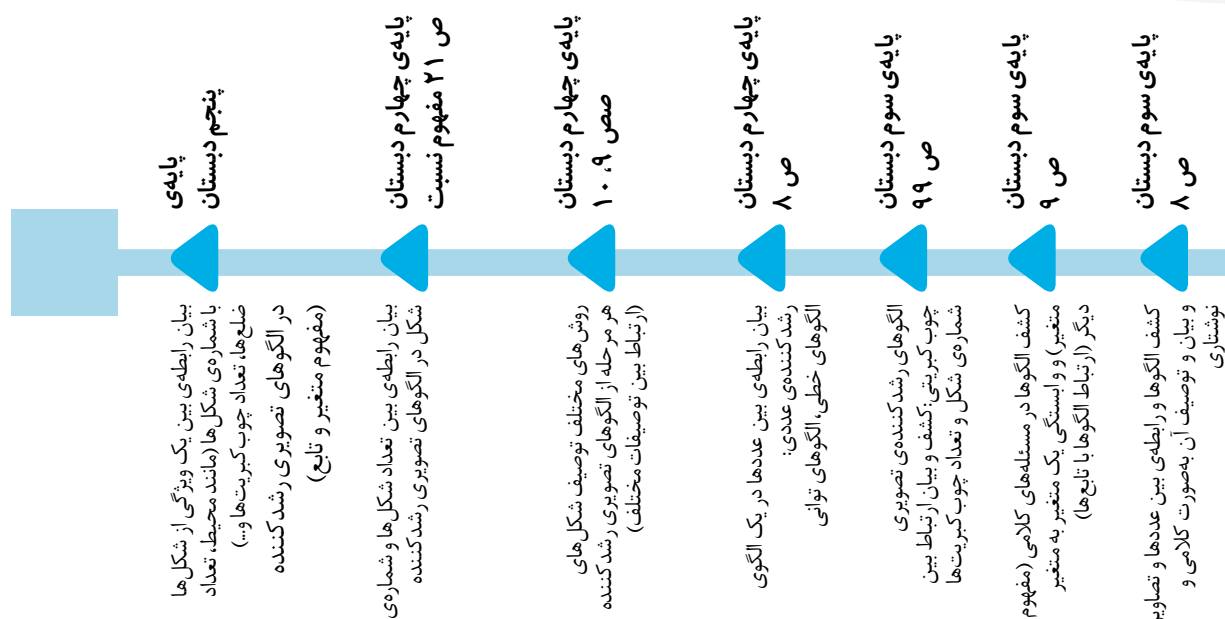
رابطه‌ی طولی

الگوهای تصویری تکرار شونده



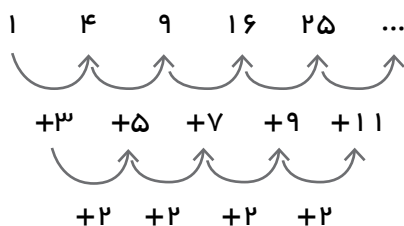
پایه‌های دهم دبستان

پایه‌های دهم دبستان



الگوهای عددی درجه‌ی دو

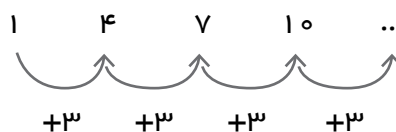
الگوی زیر یک الگوی عددی درجه ۲ است:



در یک الگوی عددی درجه ۲، اختلاف جملات با نظم مشخصی افزایش (کاهش) می‌یابد. در واقع اختلاف بین جملات، خودش یک الگوی عددی خطی است. از این رو، برای بیان رابطه‌ای برای جمله n ام این نوع الگوها، به عبارتی بر حسب n^2 نیاز داریم. به عنوان مثال، در الگوی عددی بالا، n^2 نشان‌دهنده n امین جمله‌ی دنباله است. الگوی زیر یک الگوی عددی درجه ۲ است که n امین جمله‌ی آن $3n^2 + 2n + 3$ می‌باشد: ... ۳ ۵ ۱۱ ۲۱ شما آن را تحلیل کنید.

الگوهای عددی خطی

الگوی زیر یک الگوی عددی خطی است:



در الگوهای عددی خطی، هر جمله از جمله‌ی قبل به مقدار ثابتی بزرگ‌تر (یا کوچک‌تر) است. برای بیان جمله‌ی n ام این الگوها، رابطه‌ای برحسب n (عدد طبیعی است) به دست می‌آید. به عنوان مثال، n امین عدد در الگوی بالا $(n-1) \times 3 + 1$ است. در واقع تمام شکل‌ها یا الگوهای عددی که در آن‌ها داریم چند تا چند تا می‌شماریم (رو به جلو یا رو به عقب)، الگوهای عددی خطی هستند.



معرفی بسته‌ی آموزشی تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی

امروزه با پیچیده‌تر شدن فرایند آموزش و گسترش دامنه‌ی آن به ساعات خارج از مدرسه، به‌طور حتم ارتقای عملکرد دانش‌آموزان برای کسب شایستگی، علاوه بر توانایی و مهارت‌های معلمان، نیازمند بهره‌مندی از رسانه‌های پرشمار آموزشی، طراحی آموزشی مناسب و ارائه‌ی مطلوب است. خوشبختانه، نگاه تحولی به برنامه‌های درسی و در دسترس بودن انواع تجهیزات دیداری و شنیداری در مدرسه و منزل، این امکان را برای برنامه‌ریزان فراهم کرده است تا در تهیه‌ی محتواهای آموزشی درس‌ها، به‌جای تمرکز بر کتاب، تولید سایر رسانه‌های آموزشی متنوع و جذاب همچون فیلم و نرم‌افزار را نیز مدنظر قرار دهند و تولید بسته‌های آموزشی را به‌عنوان یکی از اقدامات نوین در اثربخشی و پویایی فرایند آموزش، در اولویت قرار دهند.

دانش‌آموز است. در ادامه هریک از این اجزا به اجمال معرفی و توصیف می‌شود:

کتاب معلم (راهنمای تدریس): در این بسته‌ی آموزشی، کتاب راهنمای معلم (راهنمای تدریس) مهم‌ترین عنصر است. در این کتاب‌ها معلمان با رویکرد و اهداف تربیت بدنی در دوره و پایه‌های تحصیلی مرتبط آشنا می‌شوند و محتواهای آموزشی، روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی در درس تربیت بدنی به آن‌ها ارائه می‌شود. عنوان‌های کتاب راهنمای معلم موجود در بسته‌ی آموزشی تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی به شرح زیر است:

- تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی (ویژه‌ی پایه‌های اول تا پنجم)^۱

- سلامت و تربیت بدنی ششم ابتدایی

کتاب معلم ضمیمه‌ی تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی: از سال تحصیلی ۹۱ در راستای همسوسازی برنامه‌های درسی با برنامه‌ی درسی ملی و با هدف غنابخشی به محتواهای آموزشی موجود، کتاب‌های ضمیمه‌ی تربیت بدنی با رویکرد تربیتی و فرهنگی و با تأکید بر ارائه‌ی فعالیت‌های شاد و پر نشاط تألیف و در اختیار معلمان قرار گرفتند. ویژگی این کتاب‌ها ارائه‌ی فعالیت‌های آموزشی در قالب انواع بازی (دبستانی، بومی - محلی، تلفیقی با سایر دروس و شبه ورزشی) است. عنوان‌های

درسی ملی و براساس سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری مندرج در این سند که بر برنامه محوری و تولید بسته‌های آموزشی تأکید دارد، گروه برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی طراحی و تولید بسته‌های آموزشی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داد و بسته‌ی آموزشی درس تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی را تولید کرد. این بسته‌های آموزشی با هدف تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری و غنابخشی به محتواهای آموزشی موجود تولید می‌شوند و تلاش شده است در تهیه‌ی آن‌ها به نیازهای اساسی هر دو گروه مخاطب برنامه، یعنی معلم و دانش‌آموز، توجه شود.

معرفی اجزای بسته

بسته‌ی آموزشی تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی شامل کتاب معلم (راهنمای تدریس)، فیلم آموزشی ویژه‌ی معلم، لوحه‌ی آموزشی ویژه‌ی دانش‌آموز و فیلم آموزشی ویژه‌ی

در درس تربیت بدنی، از سالیان دور، معلمان مدارس نه تنها از راهنمایی‌های برنامه‌ریزان درسی در این حوزه محروم بوده‌اند، بلکه به محتوا و رسانه‌های آموزشی مناسب نیز دسترسی نداشتند. از این‌رو با تکیه بر تجارب فردی اقدام به انتخاب محتوا و آموزش آن می‌کردند تا اینکه در سال ۱۳۸۴ با تصویب اولین راهنمای برنامه‌ی درس تربیت بدنی توسط شورای عالی آموزش و پرورش، خوشبختانه اولین محتواهای آموزشی این درس با توجه به ماهیت مهارتی این حوزه‌ی یادگیری، در قالب کتاب راهنمای معلم و لوحه‌های آموزشی ویژه‌ی دانش‌آموز تولید شد و در اختیار معلمان قرار گرفت. در سال‌های اخیر، با تصویب برنامه‌ی



نظری درس تربیت‌بدنی به دانش‌آموزان در پایه‌های اول تا پنجم طراحی و تولید شده‌اند. این لوحه‌ها که در ابتدای تولید به شکل پوسته‌های کاغذی چاپ و توزیع شده بودند، در حال حاضر در قالب فایل‌های پی‌دی‌اف قابل ارائه و استفاده در کلاس درس هستند. عنوان‌های موضوعات آموزشی لوحه‌ها عبارت‌اند از:

● پایه‌های اول تا سوم:

۱- الف) حرکات پایه و وضعیت بدنی

۲- ب) آمادگی جسمانی

۳- ج) بهداشت، تغذیه و ورزش

۴- د) موارد ایمنی در ورزش

۵- ه) آشنایی با رشته‌های ورزشی

● پایه‌های چهارم و پنجم:

۱. آشنایی با اهداف تربیت‌بدنی

۲. حرکات پایه و وضعیت بدنی

۳. آمادگی جسمانی

۴. بهداشت، تغذیه و ورزش

۵. موارد ایمنی در ورزش

۶. آشنایی با رشته‌های ورزشی

فیلم آموزشی ویژه دانش‌آموز: به منظور تعمیق یادگیری موضوعات لوحه‌های آموزشی و انتقال آموزه‌های تربیتی رایج در فعالیت‌های بدنی و بازی، دو فیلم آموزشی با عنوان «وروجک‌های ۱ و ۲»، ویژه دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم طراحی و تولید شده‌اند. در این دو فیلم که قالب داستانی دارند، دانش‌آموزان با دنبال کردن ماجراهای جذابی که دو شخصیت عروسکی در کلاس تربیت‌بدنی رقم می‌زنند، آموزش‌های غیر مستقیم در موضوعات تغذیه، ایمنی و بهداشت ورزشی را دریافت می‌کنند و با کارکردهای تربیتی این درس همچون دوست‌یابی و همکاری نیز آشنا می‌شوند. ■

پی‌نوشت

۱. شایان ذکر است، در آغاز انتشار، این کتاب به صورت پنج مجلد مستقل منتشر شده است.



کتاب‌های ضمیمه‌ی تربیت‌بدنی که تاکنون به چاپ رسیده‌اند بدین قرارند:

- ضمیمه‌ی کتاب تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی، ویژه‌ی پایه‌ی دوم
 - ضمیمه‌ی کتاب تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی، ویژه‌ی پایه‌ی سوم
 - ضمیمه‌ی کتاب تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی، ویژه‌ی پایه‌ی چهارم
 - ضمیمه‌ی کتاب تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی، ویژه‌ی پایه‌ی پنجم
- فیلم آموزشی ویژه‌ی معلم: در بسته‌ی

ایمنی و پیشگیری از آسیب در ورزش

فعالیت بدنی و ورزش با همه‌ی فواید و لذت‌هایش گاهی می‌تواند صدماتی را در ورزشکاران در پی داشته باشد. این نکته در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی که هنوز ساختار اسکلتی و عضلانی آن‌ها تکامل نیافته و مهارت‌های بنیادین آن‌ها به بلوغ نرسیده، از اهمیت زیادی برخوردار است. دانش‌آموزان این دوره همواره به اقتضای سنشان از بازی لذت می‌برند و بی‌توجهی به شرایط ایمنی ممکن است آنان را در معرض خطرات ناشی از آسیب‌های ورزش قرار دهد. بدین منظور، در این یادداشت به بیان نکاتی می‌پردازیم که می‌تواند راهگشای پیشگیری از آسیب‌های ورزشی در دانش‌آموزان باشد:



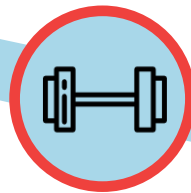
برای دانش‌آموزان شناسنامه‌ی سلامت تشکیل دهید.

بهتر است در ابتدای سال برای دانش‌آموزان شناسنامه‌ی سلامت تشکیل دهیم و آن را در پرونده‌ی آنان قرار دهیم. آگاهی از وضعیت سلامت دانش‌آموزان و پیشینه‌ی بیماری‌های آنان در جهت پیشگیری از حوادث و آسیب‌های ورزشی اهمیت زیادی دارد.



قبل از فعالیت شدید و بازی دانش‌آموزان را گرم کنید.

گرم کردن باعث افزایش جریان خون در عضلات می‌شود و در پیشگیری از آسیب‌های ورزشی نقش بسزایی دارد. در این خصوص لازم است دانش‌آموزان با انجام حرکات ساده و کششی به مدت حداقل ۱۰ دقیقه، بدن خود را گرم کنند.



از وسایل و تجهیزات ایمن و مناسب استفاده کنید.

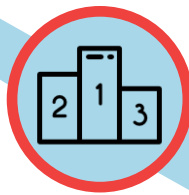
علاوه بر محیط، وسایل و تجهیزات ورزشی نیز باید با سن، جنس و سطح توانایی ورزشکار متناسب باشند. در این زمینه برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بهتر است از وسایل و تجهیزات متناسب با سن آن‌ها استفاده شود. میزان سفتی و نرمی وسایل نیز باید به گونه‌ای باشد که به بچه‌ها آسیب نرساند. دروازه‌های فوتبال، میله‌های بسکتبال و والیبال، علاوه بر اینکه باید به زمین ثابت باشند، باید حفاظ نرم نیز داشته باشند. همچنین، هر رشته‌ی ورزشی نیازمند وسایل و تجهیزات خاص خود است که استفاده نکردن از آن‌ها در حین فعالیت ممکن است به صدمه و آسیب منجر شود. وزن، حجم، جنس، ارتفاع، طول و استحکام از فاکتورهای مهم در انتخاب نوع وسایل و تجهیزات هستند. دانش‌آموزان باید در هنگام بازی و ورزش با ابزار و وسایل خطرآفرین آشنا شوند.



محیط را ایمن کنید.

محیط ورزشی به ایمن‌سازی نیاز دارد. خطوط زمین‌های ورزشی باید حداقل سه متر از دیوارها، سکوها، جدول‌ها، درختان و... فاصله داشته باشد و با رنگ قابل رؤیت (مانند زرد یا سفید) طراحی شود. زمین ورزشی نیز باید عاری از هرگونه برآمدگی، فرورفتگی، مانع و... باشد. همچنین، پنجره‌های کلاس‌ها باید حفاظ داشته و دیوارها فنس کشی شده و سیم‌کشی‌های برق در اطراف حیاط ایمن باشند.





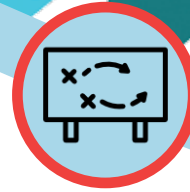
تمرین‌ها و فعالیت‌ها را متناسب با شرایط فرد تعیین کنید.

تناسب نوع تمرین و فعالیت با سن، جنس و توانایی‌های دانش‌آموزان یکی دیگر از فاکتورهای مهم در پیشگیری از آسیب است. استقامت قلبی - عروقی دانش‌آموزان چاق کمتر از دانش‌آموزان لاغر است. در تمرین‌های آمادگی جسمانی هم دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران ظرفیت‌های پایین‌تری دارند و انتظارات فراتر از این ظرفیت‌ها ممکن است منجر به آسیب در دانش‌آموزان شود.



بعد از فعالیت دانش‌آموزان را سرد کنید.

تمرین‌های سرد کردن بلافاصله پس از پایان تمرین یا مسابقه انجام می‌شوند. مدت مناسب برای سرد کردن ۵ تا ۱۰ دقیقه است. در این مرحله، فرد باید از شدت فعالیت و تمرین خود بکاهد، یعنی شدت فعالیت خود را از سمت تمرین‌های سنگین به سمت تمرین‌ها و حرکات‌های سبک سوق دهد و سپس با انجام تمرین‌های کششی فعالیت خود را به اتمام برساند. سرد کردن باعث کاهش اسید لاکتیک، کاهش کوفتگی و کاهش خستگی در عضلات می‌شود.



رعایت قوانین را به دانش‌آموزان آموزش دهید.

به دانش‌آموزان یاد بدهیم که قوانین بازی‌ها، قوانین کلاس و رشته‌های ورزشی را اجرا کنند. آشنایی با قوانین و مقررات در پیشگیری از آسیب‌های ورزشی نقش مهمی دارد. دانش‌آموزان باید با خطرات هل دادن، نداشتن تناسب بدنی با هم‌بازی، حرکات‌های شدید و... آشنا شوند. دانستن و اجرای قوانین و مقررات رشته‌های ورزشی و بازی‌ها دانش‌آموزان را از خطر آسیب‌دیدگی دور می‌کند.



حضور در محیط بازی و فعالیت دانش‌آموزان

حضور معلم در محیط بازی و فعالیت، علاوه بر رعایت بیشتر نظم و قوانین در دانش‌آموزان کمک می‌کند، از بار حقوقی ناشی از صدمات و آسیب‌های وارده بر دانش‌آموزان نیز می‌کاهد.



نکات تغذیه‌ای را به دانش‌آموزان گوشزد کنید.

دانش‌آموزان باید بدانند در اثر انجام فعالیت بدنی و ورزش آب بدنشان کاهش می‌یابد و نیاز به نوشیدن مایعات پیدا می‌کنند. ورزش کردن باعث کاهش انرژی می‌شود. بنابراین، به دانش‌آموزان توصیه کنید با مصرف مواد غذایی سالم و مغذی مانند شیر، گوشت، میوه، سبزیجات و خرما انرژی از دست رفته را جبران کنند. داشتن انرژی لازم برای انجام ورزش در پیشگیری از بروز آسیب نقش مهمی دارد.



به دانش‌آموزان یاد بدهید بهداشت فردی و محیطی را رعایت کنند.

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند هم بهداشت فردی و هم بهداشت محیط ورزشی و مدرسه را رعایت کنند تا در معرض بیماری و آسیب‌های بعدی قرار نگیرند. آنان باید بیاموزند در هوای آلوده فعالیت نکنند و بعد از ورزش استحمام کنند و در جریان هوای سرد قرار نگیرند. لباس‌های تمیز و مناسب بپوشند.

جعبه‌ی کمک‌های اولیه را در دسترس قرار دهید.

جعبه‌ی کمک‌های اولیه باید حداقل دارای وسایل و تجهیزاتی از جمله بتادین، الکل، ژل سوختگی، گاز استریل، پنبه، چسب زخم، چسب کاغذی، باند، نوار کشی، ژل شوینده، درجه‌ی تب، قیچی، پنبه، آتل، کیف یخ، کیسه‌ی آب گرم، گیلان چشم‌شویی، صابون، دستمال تمیز و دستکش باشد. این جعبه باید در مکانی قرار گیرد که دسترسی به آن ساده باشد. اقدامات کمک‌های اولیه از تشدید آسیب‌ها در دانش‌آموزان می‌کاهد. ■

به من رأی بدید!

هر چه به او می‌گفتم هفته‌ی بعد جایزه‌اش را می‌خرم، قبول نمی‌کرد. از دستش خیلی عصبانی شدم و داد زدم: «مگه من تا به حال چند بار قول دادم و عمل نکردم که حالا تو قبول نمی‌کنی!» و او به جای هر کاری فقط گریه می‌کرد. دلم به حالش سوخت. گفتم: «تو که منطقی هستی، چرا حرف حساب رو قبول نمی‌کنی آخه!»

هق‌هق کنان گفت: «ناظم پارسالمون بهم قول داده بود امسال منو مأمور بهداشت کنه، ولی از مدرسه رفت و اصلاً یادش نمود که چه قولی به من داده. وقتی به ناظم جدید گفتم، گفت امسال پسر خوبی باش تا خودم مأمورت کنم. بهش گفتم امتیازای پارسالم به حد مأمور شدن رسیده بودن، اما گفت پارسال دیگه گذشته، امسال پسر خوبی باش.»

خیلی ناراحت شدم. گفتم چرا تا حالا به من نگفته بودی؟ خودم می‌آمدم مدرسه و برایش توضیح می‌دادم. در جوابم گفت: «که بچه‌ها بهم بگن بچه ننه!»



راست می‌گفت و من حرفی برای گفتن نداشتم. گفتم بگذار کمی فکر کنم و بعد با هم صحبت می‌کنیم. تو هم دیگر گریه نکن. دو ساعت بعد، برای اینکه کمی از ناراحتی و افسردگی‌اش کم کنم، امتیازاتی را که در مدرسه داشت، برایش شمردم: «تو تقریباً سومین ساله که پیشتاز^۱ مدرسه هستی. تا حالا کدوم دانش‌آموز مدرسه سه سال پیشتاز بوده؟»

و این حرفم داغ دلش را تازه کرد: «کاش پیشتاز نشده بودم! اصلاً همین طوری الکی منو برای این کار انتخاب کردن! وقتی خانم منو برای پیشتازی انتخاب کرد، کلاس چهارم بودم. یکی از بچه‌ها خیلی دلش می‌خواست انتخاب بشه. خانم بهش گفت اگر بچه‌ی خوبی باشه، سال دیگه پیشتاز می‌شه. الان ما کلاس ششمیم و اون هنوز پیشتاز نشده. اصلاً پیشتازها عوض نشدن! این که درست نیست. من دلم می‌خواد پیشتاز بشم و اون دلش می‌خواد پیشتاز بشه.»



فهمیده بود که مجابم کرده است. این بود که ادامه داد: «اصلاً چرا بچه‌های کلاس چهارم مأمور می‌شن و من که ششم هستم، نه؟!»

تمام فکرش را این موضوع پر کرده بود که در این انتخاب و امتیاز دادن‌ها بی‌عدالتی و بی‌حسابی اتفاق افتاده است و داشت این موضوع را تعمیم می‌داد. این بود که اعتمادش از من که مادرش بودم هم سلب شده بود و قولم را قبول نمی‌کرد.



۱. چند سالی است که «سازمان دانش‌آموزی» طرح «پیشفر» را با دو دسته‌ی «پیشتازان» و «فرزآنگان» در مدارس اجرا می‌کند. اصطلاح دقیق آن برای پسران «پیشتاز» است. اطلاعات آن در سایت www.pishfar.ir در دسترس است.



حدود دو هفته بعد، وقتی داشتم جیب روپوش مدرسه‌ی پسر من را خالی می‌کردم تا روپوش را بشویم، تکه پاره‌های کاغذ توجه‌م را جلب کرد. برگه‌هایی مجالیه با نوشته‌هایی مثل این: «نه قرمز نه آبی، فقط مهدی سرابی»، «برترین‌ها برترین را انتخاب می‌کنند»، «به من رأی بدید تا بوفه رو مجانی کنم»، «اگر می‌خواهید زنگ ورزش دو برابر بشه، به من رأی بدید»، «کارنامه‌های خیلی عالی با انتخاب آقای کاشی»، «به من رأی بدید تا مأمور تون کنم».

پسر من برایم تعریف کرد که چند روزی است حال و هوای مدرسه‌شان انتخاباتی شده و موضوع شورای دانش‌آموزی داغ است. او نامزد انتخابات نشده بود، چون معلمانش معرفی‌اش نکرده بودند. اما قرار بود به دانش‌آموزی رأی دهد که قول مأمور کردن بچه‌ها را به آن‌ها داده بود.

معلوم است دیگر! همان دانش‌آموز رأی آورد و باز هم پسر من مأمور نشد.

دیگر تقریباً از خیر مأمور شدن گذشته بود. دو روز بعد از اینکه کارنامه‌های ترم اول را دادند، بعد از برگشت از مدرسه، به سرعت لباسی را از کیفش درآورد و به من داد و خواست که آن را بشویم. لباس مخصوص مأمور بهداشت مدرسه بود. فکر کردم بالاخره حساب و کتابی در کار است! اما نفهمیدم چرا پسر من خیلی خوش‌حال به نظر نمی‌رسید!

برایم تعریف کرد: «دوستم مأمور بهداشت بود. نمره‌های کارنامه‌اش خوب نشده بود. مامانش دعواش کرده و گفته دیگه نباید مأمور باشی تا حواست به درس جمع باشه. به خاطر همین، دوستم به من گفت بیا تو مأمور باش که خیلی دلت می‌خواست؛ به همین راحتی!»

گفتم: «خب بالاخره به خواسته‌ات رسیدی. از فردا تو مأموری. حالا چه کار می‌خوای بکنی؟ فکر کردی چطور مأمور خوبی باشی؟»



گفت: «مامان دو دلم. آخه این‌طوری که درست نیست. همین‌طوری الکی مأمور شدم؛ بی‌حساب و کتاب. امتیازهام چی؟ شاید الان یکی از من بیشتر امتیاز داشته باشه؟ یعنی این انصافه که من این‌طوری مأمور بشم؟»

صبح روز بعد، لباس بهداشتش را در کیفش گذاشت و گفت: «کاش دوستم بتونه پیشاهنگ بشه!»

حس کردم پسر من بزرگ شده است. لقمان حکیم را یاد کردم که ادب از بی‌ادبان آموخته بود. پسر من از بی‌حسابی درس گرفته بود.



چند کلمه حرف حساب

- آیا سپردن مسئولیت به کلاس پایین‌تری‌ها، صرفاً به خاطر بزرگ بودن جثه، بازگوشی، درس‌خوان بودن و ... می‌تواند قانع‌کننده باشد؟
- آیا عوامل مدرسه نباید هنگام انتخابات شورای دانش‌آموزی، شعارها را نظارت و بچه‌ها را راهنمایی کنند که هر نامکنی را شدنی جلوه ندهند؟
- آیا این فرصت‌ها بهانه‌هایی عالی برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموز به مدرسه، اجتماع و مسئولیت‌پذیری نیستند؟
- آیا دوره‌ی ابتدایی بهترین زمان آموزش اخلاق به بچه‌ها نیست؟

- حداقل ۱۵-۱۰ سالی می‌شود که مدرسه‌ها طرح شورای مدرسه را اجرایی کنند تا دانش‌آموزان پذیرش مسئولیت را از ابتدای نامزدشدن تا انتخاب و اجرای صحیح وظیفه بیاموزند. آیا این طرح به درستی اجرا می‌شود، یا فقط به‌صورت نمایشی به اجرا در می‌آید تا مدرسه هنگام ارائه گزارش فعالیت‌های انجام شده به اداره و منطقه حرفی برای گفتن داشته باشد؟
- آیا کودکانی که از ابتدا چنین بی‌حساب به مسئولیتی نصب یا از آن خلع می‌شوند، انگیزه‌ای برای کسب صفات عالی پیدا می‌کنند؟

پای صحبت دکتر عبدالعظیم کریمی
روان‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

کار معلم، بره‌م زدن اقناع است

عبدالعظیم کریمی

متولد: ۱۳۳۵

دکترای: ph.D در رشته روان‌شناسی

سمت: دانشیار پژوهشگاه مطالعات تعلیم و تربیت و مدیر ملی مطالعات بین‌المللی تیمز TIMSS و پرلز PIRLS در ایران
زمینه فعالیت: روان‌شناسی و تعلیم و تربیت
از ایشان ۴۴ عنوان کتاب تألیفی و حدود ۱۰۰ عنوان مقاله علمی و پژوهشی و ترویجی و ۳۵ مورد پژوهش ملی و بین‌المللی منتشر شده است.

تقدیرها و نشان‌ها:

● داخلی

- برگزیده سومین جشنواره شهید رجایی و تقدیر توسط ریاست محترم جمهوری به‌عنوان کارمند و سرپرست نمونه کشوری ۱۳۸۰
- برگزیده اثر تألیفی کتاب «مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک» در دومین جشنواره معلمان.
- پژوهش‌گر برگزیده سال ۸۱ در جشنواره بزرگداشت پژوهشگران برتر توسط وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- رتبه نخست پژوهش کشوری در وزارت آموزش و پرورش، سال ۸۱.
- رتبه نخست اثر تألیفی کتاب «کودکی باز یافته» در سومین جشنواره انتخاب کتاب معلم ۱۳۸۲.
- رتبه نخست اثر تألیفی «حکمت‌های گم‌شده» در چهارمین

جشنواره معلمان مؤلف سال ۱۳۸۳.

- برگزیده اثر تألیفی «حکمت‌های گم‌شده در تربیت» در اولین جشنواره کتاب خانواده/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش سال ۱۳۸۶
- رتبه دوم اثر تألیفی «آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی» در اولین جشنواره کتاب خانواده با موضوع «آسیب‌شناسی خانواده» و در سال ۸۶ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش.
- تقدیر از اثر تألیفی کتاب «مدرسه موزه، مقدمه‌ای بر یادگیری فعال در موزه‌ها»، در ششمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، آبان ۱۳۸۶ توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- تقدیر از اثر تألیفی: مدیریت چه چیز نیست؟ (چگونه مدیریت نکنیم) در دهمین جشنواره کتاب‌های کمک آموزشی بهمن ۹۲

● بین‌المللی

- دریافت نشان تقدیر از انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی IEA در هشتمین اجلاس هماهنگ‌کنندگان ملی (NRC) پرلز PIRLS از میان ۴۵ کشور جهان به پاس اجرای موفقیت‌آمیز پروژه بین‌المللی پرلز ۲۰۰۶، (کانادا، کبک، ژوئن ۲۰۰۷).
- منتخب برتر در اجرای موفقیت‌آمیز پروژه بین‌المللی تیمز TIMSS ۲۰۰۷ (مرحله مقدماتی) از میان ۵۶ کشور جهان در پنجمین اجلاس هماهنگ‌کنندگان ملی (NRC) تیمز (لتونی، آگوست ۲۰۰۶).

گفت‌وگوی این شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با دکتر عبدالعظیم کریمی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، انجام شده است. او روان‌شناس و استادیار دانشگاه و مدیر ملی پروژه‌های بین‌المللی پرلز (prls) و تیمز (Timss) است. در تربیت روش اکتشافی دارد و معتقد است معلمان باید مانند سقراط مامایی کنند تا حقیقت یا دانش از دل بچه‌ها زاییده شود. وی معتقد است: «هر قدر آموزش را کاهش دهیم، پرورش افزایش می‌یابد. چون آموزش دگر ساخته و اکتسابی است که روی نیازهای درونی و اکتشافات شخصی افراد را می‌پوشاند. دکتر کریمی می‌گوید: «ما به جای اینکه اجازه بدهیم بچه‌ها آنچه را در فطرت دارند، بکاوند و بیابند، به صورت فله‌ای، زودرس و بیرونی به آن‌ها آموزش می‌دهیم و این دادن، مانع یافتن است.»

● در دوره‌ی آموزش ابتدایی چه کارهایی باید انجام گیرند و چه مطالبی آموزش داده شوند و چه اتفاق‌هایی باید رخ دهند که دانش‌آموزان ۱۲ سال بعد، از نظر فردی و اجتماعی برای خود و توسعه‌ی کشور مناسب باشند؟

بزرگ‌ترین اتفاقی که در دوره‌ی آموزش ابتدایی باید بیفتد، این است که هیچ اتفاقی نیفتد. اگر ما واقعاً بتوانیم به چنین حکمت بزرگی دست پیدا کنیم که هیچ اتفاقی نیفتد، مطمئن باشید بزرگ‌ترین اتفاق تربیت فطری در تعلیم و تربیت فطری رخ می‌دهد. اگر ما تقوای تربیتی داشته باشیم، یعنی سپری ایجاد کنیم که هیچ اتفاقی در مدرسه نیفتد، آن‌گاه اتفاقی درونی و نورانی و شهودی از درون بچه‌ها زایش پیدا می‌کند. وقتی می‌گوییم تقوای آموزش یعنی آموزش کاهشی به قصد پرورش افزایشی. یعنی هر قدر آموزش را کاهش دهیم، پرورش افزایش پیدا می‌کند. چون آموزش دگر ساخته و اکتسابی است که روی نیازهای درونی و اکتشافات شخصی افراد را می‌پوشاند. در قرآن کریم آمده است: «قد افلح من زکها و قد خاب من دسها». فرق بین زکها و دسها چیست؟ فرق بین تزکیه و تدسیه چیست؟ تزکیه کاهش می‌دهد. تدسیه افزایش می‌دهد. تزکیه کوثر است. تدسیه تکاثر است:

«الْهَکَمُ التَّکَاثُرُ»: وای بر فزون طلب‌ها. فزون‌گویی و فزون‌آموزشی آن‌ها حجاب کشف آموزش است. تدسیه از دسیسه و پنهان کردن می‌آید. یعنی چیزی درون فرد وجود دارد. آبی درون چاه وجود دارد و شما به جای اینکه

بکاھید و بکاوید، آب می‌ریزید و به آن می‌افزایید. این آبی که با شیلنگ لوله‌کشی به داخل چاه می‌ریزید، آب درون‌زا و کاریز پنهان را نادیده می‌گیرد و چون از جنس ذات او نیست و بیرونی است، زبان‌آور است. چون پایا، مانا، زایا و زلال نیست، بلکه آب مرداب است. وقتی آب درون یک چاله بریزید، بعد از یک هفته گنداب می‌شود. اما آب اصلی چاه برای قرن‌ها زلال و ناب می‌ماند. بنابراین، ما در آموزش و پرورش در حال دسیسه هستیم. یعنی به جای اینکه اجازه بدهیم بچه‌ها آنچه را که در فطرت دارند، بکاوند و بیابند، به صورت زودرس، فله‌ای و بیرونی به آن‌ها آموزش می‌دهیم و این دادن، مانع یافتن می‌شود. این موضوع در آموزش همه‌ی دروس حتی ریاضی هم صادق است. برای آموزش ریاضی هم باید از روش اکتشافی، نه روش اکتسابی یا انتقالی، استفاده کرد. پس نخستین اصل آموزش حقیقی در دوره‌ی ابتدایی این است که هیچ چیز قابل آموزش نیست و بزرگ‌ترین اتفاق در آموزش ابتدایی این است که نگذاریم هیچ اتفاقی بیفتد. آن وقت مطمئن باشید بزرگ‌ترین اتفاق آموزشی و تربیتی به لحاظ فاعلی و عاملی در دانش‌آموزان رخ می‌دهد.

● روش اکتشافی یا روش کاهش آموزش را چگونه می‌توان در مدرسه و کلاس اجرا کرد؟ فرض کنید من معلم هستم و می‌خواهم تقوای آموزشی داشته باشم و روش کاهش آموزشی و اکتشافی را در کلاس عملی کنم. چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟

منظورم از آموزش ندادن به بچه‌ها، بی‌کاری و انفعال معلم سرکلاس نیست. اتفاقاً انفعال زمانی است که چیزی بدهید. آموزش فعال یعنی چیزی ندادن تا اینکه چیزی یافته بشود. آموزش انفعالی یعنی اینکه ما دائم به بچه‌ها چیزی بدهیم. چون بچه منفعل است. معلمی که تقوای آموزشی داشته باشد، باید خیلی زیاد آموزش دیده باشد و بسیار مسئول و مراقب و فعال باشد. آموزش دادن از هر کسی برمی‌آید، اما آموزش ندادن به سقراط نیاز دارد. سقراط آموزش نمی‌داد. مامایی می‌کرد تا حقیقت یا دانش از دل فرد زاییده شود. سقراط سر کلاس آدم منفعل، بیکار و بی‌عاری نبوده است. یک حدیث قدسی است که خداوند به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «من علم را در گرسنگی گذارده‌ام، ولی مردم آن را در سیری می‌جویند.»

اگر بخواهیم به همین حدیث عمل کنیم، یک تعبیرش این است که آب کم جو، تشنگی‌آور به‌دست. تعبیر دیگرش این است که در خود گرسنگی طعام است. نه اینکه شما گرسنه باشید و بروید طعام بخورید یا تشنه باشید و بروید آب بخورید.

آموزش ندادن به سقراط نیاز دارد، سقراط آموزش نمی‌داد؛ مامایی می‌کرد تا حقیقت یا دانش از دل فرد زاییده شود. سقراط سر کلاس آدم منفعل، بیکار و بی‌عاری نبوده است

این یک پارادوکس است و با ساختار ذهنی ما قابل درک نیست. بدبختی یکی دو تا نیست. همین که بدانید که نمی‌دانید، دانش است. غایت علم جهل است و غایت عقل حیرت. غایت معرفت هم تسلیم است.

تسلیم انفعال نیست. خیلی باید فعال باشید که تسلیم شوید. تسلیم شدن مثل یک موج سواری است که خودش را در ارتفاع ۲۰ متری اقیانوس طوفانی شناور می‌کند. چه کسی می‌تواند تسلیم آن موج شود که آسیبی نبیند. چقدر باید در طول ده‌ها سال مهارت موج‌سواری پیدا کرده باشید تا تسلیم موج نشوید و از نابودی خودتان توسط موجی که کشتی را خرد می‌کند، جلوگیری کنید؟ یک هزارم ثانیه غفلت باعث می‌شود موج شما را نابود کند. یک اسکی‌باز یا موج‌سوار چقدر باید فعال باشد تا همچنان خط تسلیم را حفظ کند؟ ما وقتی از تسلیم حرف می‌زنیم، این به ذهن ما می‌آید که باید رو به قبله دراز کشید و گفت: «نا دخیل».

نگاه حقیقی به تسلیم، خیلی مراقبت، جسارت، شجاعت، فعالیت، شهامت و حکمت می‌خواهد.

● ممکن است درباره‌ی این عبارت که سقراط برای شاگردانش مامایی می‌کرد تا شکوفا شوند، بیشتر توضیح دهید؟

سقراط هیچ چیز نمی‌گوید تا شاگردش به سمتش بیاید. مامایی یعنی چه؟ یعنی از من به کسی بچه‌ای داده نمی‌شود. او مستعد زایمان دانش یا حقیقتی است و من حتی زمینه‌سازی هم نمی‌کنم.

ما قرار نیست زمینه‌سازی کنیم. این هم یک توطئه است. عده‌ای در تعریف تربیت گفته‌اند: «تربیت عبارت‌است از فراهم ساختن شرایط یا زمینه‌سازی‌های مساعد برای به شکوفا درآوردن استعدادها در جهت مطلوب.»

وقیحانه‌ترین و مستبدانه‌ترین و ارتجاعی‌ترین تعریف در تربیت همین است که در همه‌ی کتاب‌ها هم آمده است. چرا؟ مثل اینکه آبی از کوه سرازیر شود و من برایش بسترسازی کنم. این اولین خیانت است. چون ما حق نداریم بسترسازی کنیم، بلکه باید بستریابی کنیم.

بسترسازی توطئه و تدسیه است. چون شما ذهنیت خود را اعمال می‌کنی. اما بستریابی این است که نگاه می‌کنید آب به

کدام سمت می‌رود و مطابق با جهت آب، بستر مناسبتش را پیدا کنیم، نه اینکه مطابق جهت خود بسترش را بسازیم. به شکوفا درآوردن غلط دوم است. چون قرار نیست ما استعدادها را شکوفا کنیم، بلکه قرار است کاری کنیم که خود شکوفا شوند.

جهت مطلوب هم یعنی آنچه که من می‌طلبم. هیتلر در این تعریف خوابیده است. چون استبداد رأی، استبداد جهت و استبداد دخالت در آن نهفته است.

مامایی یعنی دخالت نکن، آموزش نده و در انتظار باش تا آنچه باید زاییده شود، به دنیا بیاید. شما زمینه‌سازی نمی‌کنید، بلکه زمینه‌یابی می‌کنید. فرصت‌سازی نمی‌کنید، بلکه فرصت‌یابی می‌کنید. بسترسازی نمی‌کنید، بلکه بستریابی می‌کنید. شما در خدمت او هستید، به جای اینکه او در خدمت شما باشد. تا او بزاید آنچه را در درون دارد نه آنکه بگیرد آنچه شما در درون دارید.

معلم باید آنچه را شاگرد می‌یابد بگیرد نه اینکه آنچه را خود می‌خواهد به او بدهد. گفتن این جمله راحت است، ولی اگر بخواهد پیاده شود، مخروط نظام تعلیم و تربیت از ابتدا تا انتها، ۱۸۰ درجه دگرگون می‌شود. کتاب‌های درسی باید عوض شوند. به جای محتوا و مضمون، فرم و سؤال باید باشد. روش‌های تدریس، به جای یاد دادن و انتقال، باید استخراج و درآوردن باشد.

شیوه‌ی ارزشیابی به جای پاسخ‌مداری باید سؤال‌مداری باشد. یعنی سیستم برنامه‌ریزی درسی ما، متدولوژی تدریس ما، ارزشیابی ما و ... همه ۱۸۰ درجه برعکس شوند. همین که فرمود: «من علم را در گرسنگی قرار دادم» یا «فی الجوع طعاماً وافراً»، در گرسنگی طعام قرار دادم. نه اینکه چون گرسنه بشویم، زیاد می‌خوریم. این طور نیست. حتی فراتر از آب کم جو تشنگی آور به‌دست است.

مثلاً می‌گوییم جوینده یابنده است؛ یعنی چه؟ کسی انگشترش را گم می‌کند، می‌گوییم جوینده یابنده است. بعد انگشترش پیدا می‌شود و ما می‌گوییم گفته بودیم جوینده یابنده است. اصلاً یابندگی در کار نیست. خود جویندگی یابندگی است. هدف و غایت خود جویندگی است نه محصول.

آموزش و پرورش ما یابندگی می‌کند نه جویندگی. یعنی دنبال محصول است. دنبال product است نه process.

ما در نماز چه می‌خوانیم؟ اهدنا الصراط المستقیم. همین که راه افتادی، یافتی. نه اینکه به جایی برسی. نگفتیم ما را به مقصد و هدف برسان. در نماز هیچ‌وقت مقصد را نمی‌گوییم، بلکه می‌گوییم ما را به راه راست هدایت کن.

آیا راه یک وسیله است که ما به جایی برسیم؟ خیر. خود راه



درجه‌ای ندادیم؟ این‌ها را نمی‌گوید. برای اینکه منت بگذارد و بگوید به تو محبت خیلی بزرگی کردیم، می‌گوید: آیا به تو گشودگی ندادیم؟ نمی‌گوید آیا به تو پرشدگی ندادیم؟

گشودگی یعنی تهی شدگی. چه چیزی گشوده می‌شود؟ برای گشودن یک چاه باید آن را بکنید. تا زمانی که چاه پر است گشوده نمی‌شود. برای اینکه بخواهید این قندان را گشوده کنید، باید بسطش بدهید. باید داخلش را خالی کنید تا بسط پیدا کند. در تعالیم اسلامی هدف بسط ذهن است و نه پر کردن آن.

من بارها گفته‌ام و مجدد تکرار می‌کنم. این آیه‌ی قرآن که فرمود: «قل رب زدنی علما»، در ظاهر معنی‌اش این است که «پروردگارا! علم مرا زیاد کن». اما این معنی غلط است. این جمله واقعاً به چه معناست؟ یعنی مرا وسعت بده. پس علم هدف نیست، بلکه ابزار است. هدف چیست؟ گشودگی. گشودگی چیست؟ بسط است. بسط با چیست؟ با پرسشی که بدون پاسخ است.

هیچ خیانتی بالاتر از اقناع در آموزش نیست، ولی هدف ما اقناع است.

شما قرار نیست جوان را اقناع کنید. اقناع ذهن مرگ ذهن است و شما قاتلان ذهن هستید و معلم به‌عنوان قاتل ذهن عمل می‌کند. معلم قاتل کیست؟ کسی که دانش‌آموز را قانع می‌کند! سقراط قانع‌شدگان را به چالش می‌کشید. وقتی طرفش می‌گفت حقیقت را می‌دانم، سقراط با پرسیدن یک سؤال به او می‌فهماند که هیچ نمی‌داند. اقناع فردی را که قانع

هدف است. «اهدنا الصراط المستقیم» غایت است. آنچه امروزه تحت عنوان فرایندمداری است، این است. آن وقت ما به دنبال نمره، معدل، محصول، رتبه، درجه و عینیت و کمیت هستیم. ولی آنچه باید باشد، کیفیت، تشنگی، گرسنگی، کاهش، تزکیه، کوثر، هرس کردن، قطع کردن، حذف کردن، تهی کردن، پاک کردن و زدودن است.

یعنی دقیقاً ۱۸۰ درجه با هم متفاوت است، به‌خصوص در ابتدایی که بچه‌ها جوشش کنجکاوی دارند. به قول گابریل گارسیا مارکز کودک یک پژوهشگر خالص یا بنیادی است. یعنی کودک پژوهش را برای پژوهش می‌کند نه برای محصول، سود و فرآورده. ولی ما وقتی کتاب می‌خوانیم، می‌گوییم نمره‌ی ما چند شد؟ چه وقتی برای گرفتن کارنامه بیاییم؟ من جواب سؤال را دادم، چه شد؟ کارت آفرین و جایزه می‌دهید یا خیر؟ خداوند سازوکاری فطری در کودک قرار داده است که به هیچ‌وجه مقصود و هدف نیست. نفس یادگیری، نفس تفکر و نفس کنجکاوی برایش هدف است.

حتی کودک به‌دنبال پرسشگری هم نیست، چون پرسشگری یعنی به‌دنبال جواب بودن. کودک از این هم فراتر است. من می‌گویم بچه‌ها را باید پرسشگر بار آورد. این هم غلط است. چرا؟ چون ما می‌گوییم بگذارید کودکان پرسش کنند و ما به بهانه‌ی پرسش به‌عنوان یک ابزار، آنچه را می‌خواهیم، در قالب جواب به آن‌ها بدهیم. در صورتی که پرسش برای گشودگی است نه برای پرشدگی.

ولی ما می‌خواهیم بچه پرسش کند که چیزی به او بیفزاییم. پرسش برای تهی کردن است؛ که بچه دائم تهی شود. به همین دلیل در قرآن داریم که به پیامبر(ص) می‌فرماید: «الم نشرح لک صدک».

خداوند می‌خواهد بگوید ما به تو یک چیز بزرگ داده‌ایم. نمی‌گوید: مدرک و هدیه‌ی بزرگی به تو ندادیم؟ به تو دکتر ندادیم؟ به تو این همه معلومات ندادیم؟ به تو همچنین

منظورم از آموزش ندادن به بچه‌ها، بیکاری و انفعال معلم سرکلاس نیست. آموزش فعال یعنی چیزی ندادن تا اینکه چیزی یافته شود

می پرسید چگونه آن را اجرایی کنیم؟ به قول اینشتین نمی شود در باکسی که مشکل ایجاد شد، مشکل را حل کرد. باید از آن باکس خارج شد. ما می خواهیم در همین باکس و ساختار فعلی مشکل را حل کنیم. نمی شود. نمی توان هیچ کاری انجام داد. باید از این باکس و ساختار خارج شویم. اما مشکل اینجاست که نمی توانیم از این ساختار خارج شویم، چون فانی می شویم. به روسو هم می گویند چیزی بگو که عملی باشد و بتوان آن را اجرا کرد. روسو در جواب می گوید: من می دانم مقصود شما چیست. مقصود از عملی این است که شما می خواهید چیزی بگوییم که با آنچه فعلاً انجام می دهید، هم خوانی داشته باشد. در این صورت عملی خواهد شد.

من می فهمم روسو چه می گوید. گاهی اوقات حس همزادپنداری من با او سبب می شود درک کنم که او چه دردی کشیده است و چه غربتی را تحمل کرده است. چون من نیز همچون او در این مصیبت گیر کرده ام. چون شما می گویند این امکان ندارد. ما معلم استخدام کردیم، مجله تأسیس کردیم و کتاب درسی چاپ کردیم. حرف های شما امکان ندارد و شدنی نیست. بله شدنی نیست، چون می خواهید حرف هایمان را در همان ساختار قبلی انجام بدهید.

● فرض کنید بنده بخواهم در یک روستا مدرسه ای تأسیس کنم و آن را با شیوهی تقوای آموزشی بچرخانم چه کنم؟

شما نمی توانید یک واگن را تغییر وضع بدهید یا در جای خود تغییر کنید. باید ریل، لوکوموتیو و جریان قطار را عوض کنید. ولی شما می گویند می روم در یکی از واگن ها و کارم را انجام می دهم. در حالی که در همان ریل و در همان باکس هستید. مثلاً قطار به سمت جنوب حرکت می کند و شما می خواهید شیوهی مرا اجرا کنید و ۱۸۰ درجه تغییرش می دهید. ولی در نهایت با همان قطار به سمت جنوب خواهید رفت.

● آقای دکتر! ما چگونه از این لوکوموتیو خارج بشویم؟ اگر در حال حرکت خارج بشوید، سقوط کرده اید، چون قطار در حال حرکت است. اینکه من در ابتدا گفتم. «بسم...! الرحمن الرحیم»؛ بسم...! به معنای خروج از سپهر خود و ورود به سپهر او. ما می خواهیم در سپهر خود او را نیز بیرستیم و این امکان ندارد. می خواهید در ریل و لوکوموتیوی که به سمت جنوب حرکت می کند باشید و بگویید می خواهید به سمت شمال بروید. این امکان ندارد.

اینکه عرفا می گویند: «بسم...! فاتح الفتوح است. «بسم...! نورالانوار است. در حقیقت «بسم...! یعنی خروج از مدار خود. خروج از مدار خود یعنی خود را فانی کردن. ما می خواهیم باقی باشیم و فانی هم بشویم. کوبیدن مکانی نیست، بلکه کوبیدن



یک حدیث قدسی است که خداوند به حضرت موسی (ع) می فرماید: «من علم را در گرسنگی گذارده ام، ولی مردم آن را در سیری می جویند»

بود بر هم می زد. کار معلم برهم زدن اقلان است نه ایجاد کردن آن. من هر چه بگویم ۱۸۰ درجه با عملکرد فعلی ما در ابتدایی و آموزش و پرورش فرق دارد. چرا نمی توانیم این شیوه را عوض کنیم؟ چون نان خوردن ما در این شیوه است. مغازه ی ماست. چرا ما نمی توانیم به شیوهی تقوای آموزشی عمل کنیم، همان حرف روسو می شود. چون روسو به تربیت منفی معتقد بود. منفی نه به معنای ارزشی، بلکه به معنای تقواست. در حقیقت روسو نیز تقوایی تربیتی را به امیل می گوید. روسو می گوید: «همه چیز را به تأخیر بیندازید تا تصویر رخ بدهد.» من نمی گویم اصلاً آموزش ندهید، بلکه می گویم آموزش ندهید تا آموزش رخ بدهد. اتفاقی ایجاد نکنید تا اتفاقی رخ بدهد. منظورم این است، نه اینکه هیچ کاری انجام ندهیم.

انگاره‌هاست و افکار باید کوبیده شوند. فرض کنید عینک سیاه بر چشم زده باشیم و به دنبال سفیدی بگردیم. چون با عینک سیاه، سفیدی را پیدا نمی‌کنیم، مدام بیرون را رنگ سفید می‌زنیم. باز با عینک به همان سیاهی می‌رسیم. بنابراین باید عینک سیاه را عوض کنیم.

● چند تا از انگاره‌هایی که باید کوبیده شود و عوض شود، نام ببرید؟

نگاه ما به کودک به جای نگاه پیرومدارانه، به معنای اینکه کودک باید از ما پیروی کند، برگردد به جایی که ما از کودک پیروی کنیم. کسی می‌تواند این کار را انجام بدهد؟ محال است. چون به محض اینکه بچه را در مهد می‌گذارید، قصدتان این است که او را آدم و مثل خودتان کنید.

چه کسی می‌تواند از کودک تبعیت کند؟ ما همواره در صدد آن هستیم که کودک از ما تبعیت کند. اما حدیث پیامبر (ص) می‌گوید: «من کان عنده صبی فلیتصاب له»: هر کس که نزد او کودکی باشد، پس باید به خاطر او خودش را به کودکی بزند. یعنی بزرگ‌سال باید وارد دنیای کودکی شود، نه اینکه کودک را وارد دنیای خود کند.

این یعنی تغییر و انقلابی «کوپرنیکی». به جای اینکه من کودک را تابع خود کنم، خودم را تابع کودک کنم. کدام یک از ما می‌تواند چنین فانی‌گری کند؟

حرف «ف» در «فلیتصاب» یعنی تحول. حرف نقطه‌ای عاطفی است در اینجا. یعنی شما تغییر «تراز» بدهید. تغییر انگاره بدهید. تغییر سامانه‌ی باورمندی بدهید.

چه کسی می‌تواند تغییر سامانه‌ی باورمندی بدهد، مگر اینکه از خود خالی و خارج شود؟

اگر شما دیدتان را عوض کردید، موفق خواهید شد.

اگر نقطه‌ی تراز عوض شود، همه چیز تغییر خواهد کرد.

شما می‌پرسید چه کار کنم که تمام دنیا را سبز ببینم؟ یکی می‌گوید که رنگ فضا و وسایل و هر چه را که می‌بینی، سبز کن. اما می‌توانی به جای این کار، فقط عینک سبز بر چشم بزنی تا همه‌ی دنیا را سبز ببینی. آن وقت شما بگویید، راه حل دیگری بگو. راه حل دیگری جز عینک سبز ندارد.

● آقای دکتر! نگرش و بینش تربیتی شما در جایی به‌صورت عینی اجرایی شده است؟ آیا نمونه‌ای عینی اجرایی شده است؟ آیا نمونه‌ای عینی از اندیشه‌ی شما وجود دارد؟

در صدر اسلام. پیامبر (ص) این‌گونه بود. شمس تبریزی می‌گوید: «هر که را مایه‌ای هست، رسول و نبی آن مایه او را روان و راه کند. چون مایه نباشد، چه را راه کند؟»

هیچ نبی نهد آنچه که در امت خود نیست. یعنی پیامبر (ص)

به دنبال آن نیست که آنچه را خودش می‌خواهد به امت بدهد، بلکه آنچه را در امت هست، روان می‌کند.

پیامبر (ص) کارش تأیید است، تحقیر نیست. تسلیم هم نیست. میان تأیید، تحقیر و تسلیم فرق است. تأیید یعنی تابع آنچه در فرد است شوید، نه اینکه او را تابع آنچه در خودت هست کنید. در صدر اسلام و در زندگی انبیا و ائمه و خود شخص امام (ره) اگر به خاطراتشان مراجعه کنید و نحوه‌ی تربیت بچه‌هایشان را ببینید، روش برخوردشان با بچه‌ها چنین بود.

روش برخورد امام با بچه‌ها تأییدی بود نه تعقیمی و تصنعی. امام (ره) صنعتی کار نمی‌کرده، بلکه تربیتی رفتار می‌کرده است.

من کاری به مسائل سیاسی ندارم. اما بحث تربیتی ایشان با گشودگی، کرامت، بزرگواری، حرمت و اکرموا اولادکم همراه است. واقعاً منش و روش امام (ره) در زندگی‌شان نسبت به فرزندان‌شان نمونه بود. مثال پیامبر (ص)، مثال ائمه، مثال قرآن و مثال حدیثی که فرمود: «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه»: «مردم معدن‌هایی چون معدن‌های طلا و نقره هستند» یعنی نباید چیز دیگری وارد کنید، بلکه باید آن چیزی را که هست خارج کنید. نباید چیزی وارد، منتقل و افزوده شود.

همه‌ی حدیث‌ها و آیات قرآنی به همین موضوع اشاره دارند. ■

بچه‌ها، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی،
جوشش کنجکاوی دارند. به قول گابریل
گارسیا مارکز، کودک یک پژوهشگر خالص
یا بنیادی است



راهبردهای تقویت مهارت‌های فراشناختی در فراگیرندگان

ضرورت مهارت‌های فراشناختی

هدف اساسی مهارت‌های فراشناختی خودکنترلی و خودآموزی است تا دانش‌آموزان یادگیرندگانی مستقل شوند که بتوانند فرایندهای شناختی و یادگیری‌شان را در جهت اهداف تعیین‌شده‌ی خود هدایت، نظارت و اصلاح کنند. بسیاری از مشکلات یادگیری، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، از نبود مهارت‌ها و راهبردهای فراشناختی ناشی می‌شود. این مهارت‌ها به فرد امکان انتخاب، کنترل، نظارت، مدیریت و در نتیجه بهبود فرایندهای شناختی را می‌دهند.

شناخت و فراشناخت دو مفهوم مکمل یکدیگرند. شناخت به فرایندهایی اشاره می‌کند که ما به کمک آن‌ها یاد می‌گیریم، فکر می‌کنیم و به یاد می‌آوریم. اما فراشناخت به دانش ما درباره‌ی فرایندهای شناختی خودمان و چگونگی استفاده‌ی بهینه از آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های یادگیری گفته می‌شود. به دیگر سخن، فراشناخت به دانش یا آگاهی از نظام شناختی خود یا دانستن درباره‌ی دانستن گفته می‌شود. دانش فراشناختی به فرد امکان می‌دهد یادگیری خود را مدیریت کند، چرا که راهبردهای فراشناختی تدبیرهایی هستند برای نظارت بر راه‌های یادگیری و هدایت آن‌ها. این راهبردها به ما می‌گویند برای سهولت بخشیدن به فرایند یادگیری، یادآوری و سازمان دادن داشته‌ها از چه راه‌هایی استفاده کنیم.



طراحی سناریوهای آموزشی بر اساس راهبردهای فراشناختی

اگر هدف تعلیم و تربیت پرورش دانش‌آموزانی باشد که بتوانند مسئولیت یادگیری خود را به عهده بگیرند، مدرسان به جای تمرکز بر حجم یادگیری فراگیرندگان، باید به افزایش استدلال یادگیری و مهارت‌های آن‌ها در یاد گرفتن توجه کنند. دانش‌آموزان از طریق آموزش مهارت‌های فراشناخت می‌توانند مهارت‌های یادگیری خود را توسعه دهند و به کسب دانش مبادرت ورزند و از این طریق به یادگیرندگانی فعال تبدیل شوند.

راهبردهای فراشناختی را می‌توان در سه دسته‌ی برنامه‌ریزی، نظارت و نظم‌دهی قرار داد. این مهارت‌ها دانش‌آموزان را به تسلط هرچه بیشتر بر فراشناخت سوق می‌دهند. معلمان باید فعالیت‌های آموزشی و تدریس را به نحوی اجرا کنند که دانش‌آموزان را به منظور تقویت مهارت‌های فراشناختی خود در مسیر استفاده از این راهبردها قرار دهند.

معلمان محترم و فرهیخته به این سؤال خوب فکر کنید و بکوشید برای آموزش هر درس یک سناریو بنویسید تا روند آموزش فراگیرندگان با مهارت‌های فراشناختی انجام شود. ما در این مقاله به یک نمونه از سناریویی که در درس‌های فارسی بخوانیم و اجتماعی و به‌طور خلاصه در خواندن، به رشد مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان کمک می‌کند، اشاره کرده‌ایم. شما هم به دیگر روش‌ها در درس‌های دیگر فکر کنید.

ضبط صدا راهی جذاب و مهیج برای تقویت مهارت‌های

فراشناختی فراگیرندگان

امروزه در آموزش و یادگیری استفاده از فناوری و ابزارهای هوشمند اجتناب‌ناپذیر است و اهمیت آن‌ها نسبت به گذشته دوچندان شده است. هر اندازه روند کار و ابزارها و محتواهای مورد استفاده پیچیده‌تر باشد، احتمال اجرای موفق برنامه‌ی یادگیری کمتر می‌شود.

از مواردی که در آموزش ابتدایی همیشه مورد تأکید قرار گرفته و از ارکان اساسی یک روند آموزشی سالم به شمار می‌رود، حفظ شادابی و نشاط دانش‌آموزان هنگام فراگیری و ایجاد فضای جذاب و هیجان‌انگیز کلاس درس است. یکی از راه‌ها و ابزارها که در عین سادگی بسیار تأثیرگذار و مهیج است، ضبط صدای دانش‌آموز به هنگام خواندن یا ارائه‌ی مطلب است. این عمل در درس‌هایی مثل فارسی بخوانیم یا اجتماعی که متن‌محورند کاربردی‌تر است.

روش کار بدین شکل است که هنگام خواندن دانش‌آموز، هم‌زمان صدای فرد ضبط می‌شود و پس از پایان درس یا پس از اتمام خواندن یک دانش‌آموز، صدای ضبط شده‌ی او پخش می‌شود. با این روش، دانش‌آموز به روند خواندن خود اشراف پیدا می‌کند و به سرعت خواندن، وقف‌ها، اوج و فرودها و نکاتی که باید رعایت کند بیشتر توجه می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند این تمرین را در منزل هم انجام دهند. امروزه اکثر گوشی‌های همراه ضبط‌کننده‌ی صدا دارند و این کار به راحتی و سهولت انجام می‌شود. در این روش، یادگیرنده فعال است و به خاطر استفاده از یک ابزار واسطه، علاقه‌اش به انجام کار دوچندان می‌شود.

در روش ضبط صدای دانش‌آموز، به خاطر اینکه معلم بعد از پخش صدای

تک تک دانش‌آموزان به چارچوبی مطلوب و ایده‌آل برای قرائت متون و ارائه‌های دانش‌آموزان می‌رسد و دانش‌آموزان باید سطح فعلی خود را به سطح مطلوب نزدیک کنند، دقیقاً تلاش دانش‌آموز در راستای استفاده از راهبردهای سه‌گانه‌ی تقویت مهارت‌های فراشناختی قرار می‌گیرد. این چالش برای دانش‌آموز سازنده و جذاب خواهد بود. معلمان برای تقویت مهارت‌های فراشناختی باید روند تدریس را طوری طراحی کنند که دانش‌آموز از راهبردهای سه‌گانه‌ی فراشناختی استفاده کند. اگر این مسیر با ابزار واسطی انجام شود، قطعاً جذاب و مهیج خواهد بود.

در این فرایند، اول از همه مسئولیت نظارت بر یادگیری از مدرسان به خود فراگیرندگان منتقل می‌شود. دوم اینکه خود ادراکی، عاطفه و انگیزش مثبت در فراگیرندگان تقویت می‌شود. بدین طریق، فراشناخت بینش شخصی فرد را نسبت به تفکرات خود ایجاد می‌کند و یادگیری مستقل را رشد می‌دهد. ■

پی‌نوشت

1. Metacognition

منابع

۱. جلال یونسی و اسحاق رحیمیان بوگر (۱۳۸۷). دریچه‌ای به فراشناخت.
۲. ام‌البین، نعیمی (۱۳۹۲). مهارت‌های فراشناختی با رویکرد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان.
3. Hamman O. Preserves teachers value for learning-strategy instruction. J Exp Educ. 1998, 66(3).
4. Wollfolk AE. Beyond words: The influence of teachers' nonverbal behaviors on students' perceptions and performances. Elem Sch J. 2001, 85(4).



نگاهی به آمار و ارقام مدارس چندپایه در بعضی از کشورهای دنیا

از آموزش برای همه تا توسعه کیفیت آموزش و پرورش

مدرسه‌ی چندپایه پدیده‌ای جهانی است که در اغلب کشورها، فلسفه‌ی وجودی آن دستیابی به هدف بین‌المللی «آموزش برای همه» است. مناطق دورافتاده، کم‌جمعیت و صعب‌العبور به توسعه‌ی فرصت‌های تحصیلی بیشتری نیاز دارند و همین موضوع توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را به مناطق روستایی و در حاشیه معطوف کرده است. از نواحی روستایی‌نشین در ایالات متحده و فرانسه گرفته تا مناطق کوهستانی پاکستان و کوهستان‌های غربی چین، و روستاهای گینه و زامبیا، و بسیاری از کشورهای اسکاندیناوی، در زمره‌ی پوشش چندپایه قرار گرفته‌اند، به‌طوری که قریب به یک‌سوم مدارس جهان را شامل می‌شوند.

آموزش‌های جامع به کودکانی که در معرض محرومیت قرار گرفته‌اند، امیدوار است در بهبود رفاه اجتماعی و اقتصادی نسل آینده تأثیرگذار باشد. گرچه هنوز هم، با وجود تلاش‌های عظیم بخش‌های عمومی و خصوصی، نرخ ترک تحصیل میان کودکان هندی در سطح بالایی باقی مانده است.

در این ارتباط دولت هند از سال ۲۰۰۹ برای افزایش دسترسی کودکان به آموزش، سیاست‌های مفصل و جامعی مانند انگیزه‌های پولی برای دختران به منظور به تأخیر انداختن ازدواج آنان به سنین بعد از هجده سال، کمک هزینه‌ی تحصیلی و وعده‌های غذایی رایگان در ساعات اولیه‌ی روزهای کاری مدرسه تدارک دیده است که موجب گردیده تا نرخ ثبت‌نام در مدارس هند در سالیان اخیر به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کند. از سوی دیگر باید گفت، هندوستان همواره با کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش خود مواجه بوده است و این امر موجب شده تا توزیع معلمان در سطح مدارس ابتدایی

از این اقدامات، و توسعه‌ی چندپایه در اقصی نقاط دیگر جهان اشاره می‌شود.



تایلند

در پی موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌هایی در زمینه کنترل زاد و ولد، که منجر به کاهش رشد جمعیت و ظهور جوامع دانش‌آموزی کوچک در برخی از مناطق گردید، دولت تایلند هیچ‌گونه دیگری به جز افزایش تعداد مدارس چندپایه، برای اجرای کامل برنامه‌های آموزشی خود پیش رو نداشت.



هند

یک ویژگی رایج در آموزش و پرورش هند وفور مدارس روستایی و دورافتاده‌ی کوچکی است که کمتر از ۵۰ کودک در آن حضور دارند و حدود یک سوم از تعداد ۱/۲۵ میلیون مدرسه‌ی ابتدایی در این کشور را شامل می‌شود. دولت هند با حمایت قاطع از مدارس که به‌صورت چندپایه اداره می‌شوند و ارائه‌ی

امروزه مدارس چندپایه، ضمن اینکه سهم قابل توجهی از «آموزش برای همه» را به خود اختصاص می‌دهند، در پی دسترسی به آموزش باکیفیت نیز هستند. در اسناد یونسکو اشاره می‌شود که «آموزش چندپایه، تنها پاسخی برای رفع کمبود معلم در نظام‌های آموزشی نیست، بلکه راهبردی برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش در جوامع روستایی محسوب می‌شود.»

اکثر قریب به اتفاق مدارس چندپایه‌ی جهان در مناطق روستایی قرار دارند. اگرچه تا قرن نوزدهم تنها برخی مدارس دولتی در شمال آمریکا و اروپا ماهیتی چندپایه داشته‌اند، اما امروزه در بسیاری از مناطق روستایی آسیا/اقیانوسیه، آفریقا و آمریکای لاتین این مدارس با حمایت‌های ملی و بین‌المللی توسعه و رونق یافته‌اند. در این میان کشورهای جنوب شرقی آسیا طی دو دهه‌ی گذشته بر آموزش‌های چندپایه به‌عنوان یک ضرورت تأکید کرده و سیاست‌های ملی را نیز در این امر دخالت داده‌اند که در ادامه به نمونه‌هایی

یک کلاس درس ضروری کرده است تا دولت را از تأمین هدف «آموزش برای همه» مطمئن سازد. آمارهای رسمی در سال تحصیلی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ نشان می‌دهد که ۳۲ درصد مدارس فیلیپین چندپایه هستند. بیشتر این کلاس‌ها (حدود ۶۰ درصد) ترکیبی از دو یا سه پایه را در خود جای می‌دهند و در حدود ۶ درصد از مدارس چندپایه‌ی فیلیپین، یک معلم به هر شش پایه تدریس می‌کند. در این میان، زنان با حضور ۶۱ درصدی خود بخش عمده‌ی آموزش چندپایه را در فیلیپین اداره می‌کنند.



اندونزی

از سال ۱۹۹۴ تدریس چندپایه به‌عنوان مدل اصلی آموزش برای مدارس کوچک مناطق دورافتاده اندونزی برگزیده شد و دولت دستور آموزش اجباری دوره‌ی ابتدایی را تجویز کرد.



پاکستان

این کشور از رویکرد توسعه‌ی چندپایه برای کاهش نرخ بی‌سوادی در میان کودکان خود بهره برده و آمار مدارس چندپایه‌ی خود را به ۶۰ درصد رسانده است، به‌طوری که توانسته پس از طی سه سال، میزان ثبت‌نام را در مدارس ابتدایی از ۷۲ درصد به ۷۷ درصد افزایش دهد. دولت پاکستان امیدوار است نرخ باسوادی در میان کودکان لازم‌التعلیم خود را به صد در صد نزدیک کند.



چین

در مناطق کوهستانی غرب چین، بنا به اقتضائات جغرافیایی، حدود یک‌سوم تا یک‌پنجم کودکان در مدارس چندپایه تحصیل می‌کنند و حدود ۱۰ درصد از



مدارس کوچک و نیز کمبود معلم، به رقم بالای ۸۵ درصد رسیده است.



فیلیپین

در این کشور هم مناطقی وجود دارند که در آن‌ها ثبت‌نام دانش‌آموزان پایین، و یا تعداد معلمان کم است. این موضوع آموزش ترکیبی پایه‌های مختلف را در

هند متفاوت باشد، به‌طوری که تنها در حدود ۱۳ درصد از مدارس، به هر پایه یک معلم اختصاص پیدا می‌کند و در ۱۴ درصد یک معلم به همه‌ی پایه‌ها تدریس می‌کند و به ترتیب ۴۲ درصد از مدارس توسط دو معلم، ۱۸ درصد سه معلم و ۱۲ درصد از مدارس توسط چهار معلم برای همه‌ی پایه‌ها اداره می‌شوند. به همین دلیل نرخ چندپایه در هندوستان با وجود

کل معلمان چینی برای آموزش به این کلاس‌ها اعزام می‌شوند.



آفریقا/ آفریقای جنوبی

وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش این قاره به‌طور فزاینده‌ای در حال توسعه‌ی چندپایه هستند و آن را یک ابزار آموزشی کلیدی می‌دانند که می‌تواند پاسخگوی تبعات مسائلی همچون کمبود معلم، غیبت‌های مکرر دانش‌آموزان مبتلا به فقر و بیماری، و محدودیت‌های بودجه‌ای باشد.

البته نرخ توزیع چندپایه در نقاط گوناگون آفریقا بستگی زیادی به مختصات جغرافیایی آن منطقه دارد. مثلاً به‌طور متوسط، ۲۷ درصد مدارس آفریقای جنوبی به‌صورت چندپایه اداره می‌شوند اما در برخی مناطق به خاطر بافت روستایی گسترده‌تر، این نرخ به ۳۸ درصد هم می‌رسد. جالب است بدانید با اینکه بیش از یک‌چهارم مدارس در آفریقای جنوبی به‌صورت چندپایه اداره می‌شوند آمار دانش‌آموزان در این کلاس‌ها کمتر از نیم درصد (حدود ۴ درصد) جمعیت دانش‌آموزی این منطقه را دربرمی‌گیرد.

که به نوعی نمایانگر توزیع بسیار نامناسب سرانه‌ی دانش‌آموز بین مدارس شهری و روستایی است.



آمریکای جنوبی/ پرو

تحقیقات نشان می‌دهد، اکثریت قریب به اتفاق مدارس چندپایه‌ی پرو در مناطق روستایی قرار دارند و حدود ۶۹ درصد از نیروهای آموزشی را در روستاها درگیر خود نموده‌اند.



اروپا/ فنلاند

بیشترین آمار کلاس‌های چندپایه‌ی اروپا به کشور فنلاند تعلق دارد که دارای نظام آموزشی موفقی نیز هست. هشتاد درصد مدارس فنلاند را مدارس ابتدایی تشکیل می‌دهند که غالباً با جمعیت‌های پایین دانش‌آموز مواجه می‌باشند. درواقع، فنلاند کشوری بسیار کم‌جمعیت است که در هر کیلومتر آن ۱۵ تا ۱۷ نفر ساکن‌اند و فاصله‌ی روستاها از یکدیگر نیز زیاد است. چنان‌که تنها ۴ درصد مدارس در این کشور جمعیتی بالای ۵۰۰ دانش‌آموز را دارا هستند و حدود ۵۰ درصد مدارس

فنلاند تعدادی کمتر از ۵۰ دانش‌آموز دارند و در برخی مناطق نیز، به علت آمار پایین دانش‌آموز، سالانه تعدادی از مدارس چندپایه به تعطیلی کشیده می‌شوند. کاهش میزان تولد و مشکلات مالی شهرداری‌ها (به‌عنوان تأمین‌کنندگان هزینه‌های مدارس) باعث شده است که از سال ۱۹۹۶ حدود ۲۵ درصد مدارس چندپایه‌ی این کشور بسته شوند.

حدود ۳۰ درصد مدارس فنلاند جزو مدارس روستایی چندپایه‌اند که تنها ۷ درصد جمعیت دانش‌آموزان این کشور را تحت پوشش تحصیلی خود قرار می‌دهند و ۱۹ درصد معلمان را به کار گرفته‌اند. با این حال، کشور فنلاند نه تنها براساس ضرورت، که در برخی موارد بنا به انتخاب و به لحاظ دلایل فلسفی و تربیتی، از جمله کاهش مشکلات رفتاری کودکان و توسعه‌ی جامعه‌پذیری آنان، به توسعه‌ی آموزش‌های چندپایه علاقه‌مند است. نکته‌ی قابل توجه در آموزش و پرورش فنلاند این است که روش تدریس چندپایه به‌عنوان «آموزش بدون پایه‌ی تحصیلی» در تعداد زیادی از مدارس بزرگ دنبال می‌شود و در آن، دانش‌آموزان نه براساس سن، بلکه بر مبنای توانمندی، ترجیحات و پتانسیل‌های یادگیری‌شان گروه‌بندی می‌شوند. به همین دلیل، نرخ آموزش‌های چندپایه در مدارس شهری فنلاند هم بالاست و میزان برگزاری کلاس‌های چندپایه در این کشور تا ۷۰ درصد گزارش شده است. در این خصوص، توسعه‌ی ICT و مهارت‌های فناوری اطلاعات در توسعه‌ی آموزش‌های تلفیقی (در کلاس‌های بدون پایه) تأثیری بسزا داشته است، ضمن اینکه استقلال مدارس برای تنظیم برنامه‌های آموزشی خود و تغییر مداوم ترکیب کلاس‌ها به‌صورت تک‌پایه و چندپایه، که بنا به ویژگی موضوعات و برنامه‌های درسی صورت می‌گیرد، نیز زمینه‌ی مناسبی برای این روش آموزشی فراهم آورده است. ■



دام رقابت و آسیب‌های آن در دوره‌ی ابتدایی

رقابت میان افراد در خانواده شکل می‌گیرد و در مدرسه تشدید می‌شود. خانواده و مدرسه باید به‌جای ایجاد رقابت در میان کودکان، آن‌ها را به رقابت با خود تشویق کنند. ایجاد رقابت در میان دانش‌آموزان و مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، موجب حسادت، احساس حقارت و تضعیف عزت نفس می‌شود. توأم شدن این نوع رقابت با تشویق و پاداش، آثار منفی آن را به مراتب بیشتر می‌کند. برای اینکه دانش‌آموزان براساس قابلیت‌های فردی خویش رشد کنند و یادگیری در محیطی انسانی صورت گیرد، باید رقابت بیرونی به رقابت درونی تبدیل شود. رقابت از جمله مواردی است که امروزه فراگیر شده است و آموزش و پرورش کشور ما را تهدید می‌کند.



بیان مسئله

دانش‌آموزان و کودکان از نظر شرایط خانوادگی، جسمی، ذهنی و عاطفی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. لذا در کلاس درس هم نمی‌توان از همه‌ی شاگردان توقع پیشرفت یکسان و مشابه داشت. رقابت فردی لذت کشف مسائل مهیجی مانند توانایی خواندن و درک پدیده‌های جهان پهناور را از دانش‌آموزان سلب می‌کند. انگیزه‌ی ذاتی به یادگیری می‌تواند در محیطی امن، اعتمادبخش و حمایت‌گرا به پرورش یابد. وقتی دانش‌آموزان احساس کنند با توجه به میزان تلاش خود نمی‌توانند برنده شوند، احساس بی‌کفایتی و نایمنی می‌کنند، زیرا در حلقه‌ی رقابت محاصره شده‌اند و به دلیل فرهنگ آموزشی حاکم، در مدرسه و کلاس درس هیچ گزینه‌ای به‌جز رقابت ندارند. به این ترتیب، به ورطه‌ی تلاش برای ضربه زدن به دیگران می‌افتند. معلمان نمی‌توانند نقش تفاوت‌های فردی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را حذف کنند، اما می‌توانند میزان تحقیر در اثر عملکرد ضعیف آن‌ها را کاهش دهند. همچنین، می‌توانند در دانش‌آموزان احساسی را پرورش دهند که پیشرفتشان را با ارزش کند و نیز محیطی آموزشی را فراهم آورند که به دانش‌آموزان اجازه دهد بر مهارت‌ها و فهم در حال افزایش خود تمرکز کنند. این مقاله شما را به بازاندیشی در مورد رقابت دعوت می‌کند. در این نوشته به دو نوع رقابت مرسوم می‌پردازیم.

۱ رقابت به معنای مقایسه کردن

افراد با یکدیگر

در این نوع رقابت، هر دانش‌آموزی سعی می‌کند از دیگری پیشی بگیرد. اما این سعی و تلاش پس از مدتی به «درجاندن» عده‌ی زیادی از شاگردان می‌انجامد، زیرا عده‌ی بسیار کمی در این مسابقه به هدف‌های



هنگامی که دانش آموزان برای رقابت با خود تشویق شوند، نه با دیگران و برای یادگیری تلاش کنند نه برای دست یافتن به اهداف عملکردی، انگیزش و پیشرفت آن‌ها افزایش می‌یابد.

۴ ایجاد اضطراب و تشویش دائمی: فردی که در حضور جمع به خاطر داشتن لیاقتی خاص تحسین شده است، همواره نگران خواهد بود مبادا از این موقعیت که در حضور همگان کسب کرده، تنزل پیدا کند. در مواردی مشاهده شده است که چنین دانش‌آموزانی دچار شکست تحصیلی شده‌اند. دلیل آن ممکن است اضطراب ناشی از این موقعیت یا منزوی شدن به دلیل مورد حسادت واقع شدن باشد.

۵ جابه‌جا شدن هدف و وسیله: یادگیری هدف و تشویق وسیله است. زمانی که دانش‌آموز به‌طور کلامی یا مادی تشویق می‌شود، به‌جای اینکه به هدف توجه کند، روی وسیله تمرکز می‌کند و از این پس برای رسیدن به پاداش (تشویق مادی یا کلامی) تلاش می‌کند. کوهن می‌گوید: اگر در قبال یادگیری فراگیرندگان به آن‌ها پاداش دهیم، یادگیری ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد و علاقه‌ی شاگردان به یادگیری نیز کاهش می‌یابد.

۶ مورد حسادت دیگران واقع شدن فرد تشویق شونده: دانش‌آموزانی که در حضور جمع تشویق می‌شوند، قبل از آنکه سایر شاگردان آن‌ها را به‌عنوان الگو بپذیرند، مورد تنفر آنان قرار می‌گیرند. این تنفر گاهی اوقات آنان را منزوی می‌کند که علاوه بر اثرات نامطلوب روانی، در پیشرفت تحصیلی نیز اثر سوء دارد. این موضوع در دوره‌ی ابتدایی که دانش‌آموزان بیشتر بزرگسالان را به‌عنوان الگو انتخاب می‌کنند، درخور توجه فراوان است.

۷ ایجاد کینه، دشمنی و حسادت در میان شاگردان: مربی باید در صدد تبدیل کردن رقابت به رفاقت باشد، اما با تشویق فرد در مقابل جمع و مقایسه کردن شاگردان با یکدیگر، رفاقت موجود به رقابت و در نهایت به حسادت تبدیل می‌شود.

۸ تفکر نکردن درباره‌ی مطالب درسی و حفظ طوطی‌وار آن‌ها: زمانی که جو رقابت و برنده شدن در کلاس حاکم می‌شود

توجه کنید: «علی احمدی دانش‌آموز سال پنجم ابتدایی است. او در درس ریاضی، ثلث اول نمره‌ی ۲۰ و ثلث دوم نمره‌ی ۱۹ گرفته است و در هر دو ثلث بالاترین نمره‌ی کلاس را داشته است. معلم ریاضی وارد کلاس می‌شود، او را به جلوی کلاس فرامی‌خواند و در حضور سایرین تشویقش می‌کند. در پایان هم خطاب به شاگردان می‌گوید: شما هم مثل احمدی درس بخوانید و از او یاد بگیرید. او الگوی شماست. تا ببینیم از این به بعد چه کسی می‌تواند مثل احمدی باشد.» شیوه‌ی این معلم ترکیبی از روش «ایجاد رقابت در میان شاگردان» و «تشویق فرد در حضور جمع» است و پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

- ۱ ایجاد تبعیض در کلاس درس؛
- ۲ تنبیه اکثر شاگردان: زیرا تشویق یک فرد در جمع و قرار دادن او به‌عنوان الگوی جمع، تلویحا به معنای تنبیه جمع است؛
- ۳ ایجاد غرور در فرد تشویق شونده: زیرا احساس می‌کند نهایت پیشرفت را کرده است و دیگر به پیشرفت بیشتر نمی‌اندیشد. در نتیجه، پیشرفت او در حد معین متوقف می‌شود.

مورد نظر معلم دست می‌یابند. اکثریتی که از این دور خارج شده‌اند، هیچ‌امیدی برای رسیدن به خط پایان ندارند، سرخورده می‌شوند، احساس حقارت و ناتوانی در آنان افزایش می‌یابد و هرگونه تلاشی برای یادگیری را بی‌فایده می‌دانند. در سوی دیگر، افرادی که پیشرفت‌هایشان نزدیک به هم است، به طرز تأسف‌آوری با یکدیگر به چالش می‌افتند. آن‌ها از پیشرفت‌های یکدیگر ناخشنود و از پسرقت‌های یکدیگر خشنود می‌شوند. بسیاری از افراد، فقط زمانی از رقابت لذت می‌برند که شانس برنده شدن داشته باشند. زمانی که دانش‌آموز ضعیف یا متوسط کلاس مجبور به رقابت درسی با دانش‌آموزانی می‌شود که سوابق بهتری دارند، شانس کمی برای برنده شدن دارد. لذا احساس ناتوانی در این دانش‌آموز تقویت می‌شود و این احساس نه تنها بر وضعیت تحصیلی، بلکه بر پیشرفت او در سایر جنبه‌های زندگی نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت، زیرا در چنین شرایطی، گروه اندکی از شاگردان برنده می‌شوند و اکثریت همواره در حال تجربه کردن شکست هستند. به عملکرد معلم در موقعیت فرضی زیر

فرصت‌های تفکر درباره‌ی مطالب درسی از دست می‌رود. در چنین شرایطی از خلاقیت و ابتکار خبری نیست. پاداش‌ها دشمن اختراع و اکتشاف هستند و زبان‌های آشکار و پنهان فراوانی دارند.

۲ رقابت به معنای مقایسه‌ی فرد با خود

در این شکل از رقابت، توانایی‌های منحصربه‌فرد افراد مورد توجه مربی است و هر دانش‌آموز با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایش، و همچنین رشد و پیشرفتی که در گذشته داشته است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این شیوه، ملاک سنجش برای همه‌ی شاگردان یکسان نیست و خصوصیات بی‌ظنیر و زمینه‌ی قبلی هر شاگرد مبنای کار معلم است. معلم سعی می‌کند میان استعداد‌های همان یک نفر رقابت ایجاد کند، نه میان شاگردان یک کلاس. به این ترتیب، انضباط درونی که پایدارترین نوع انضباط است شکل می‌گیرد و قابلیت‌های دانش‌آموز شکوفا می‌شود. چنین رقابتی به دانش‌آموز فرصت می‌دهد با توجه به قابلیت‌هایی که دارد رشد کند و به مربی فرصت می‌دهد هر یک از فراگیرندگان خود را با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های فردی‌شان رشد دهد. این نوع رقابت، از دانشمند توقع دارد دانشمند شود، از مهندس توقع دارد مهندس شود و از تکنسین انتظار دارد تکنسین شود. لذا معلم با تدابیر خود باید مانع از ایجاد رقابتی شود که به کسب موفقیت در تعداد کمی از افراد و شکست اغلب آن‌ها می‌انجامد. دانش‌آموزان برای به دست آوردن نمره‌های بالا، کسب موفقیت در فعالیت‌های ورزشی و حتی جلب توجه معلم، با هم به رقابت می‌پردازند. این رقابت‌ها موجب می‌شود آن‌ها به مقایسه‌ی اجتماعی میان خود بپردازند و در نتیجه به جای تکلیف درگیری به خود درگیری برسند.

افراد خود درگیر کارهای دشوار را، نه به دلیل داشتن انگیزه برای خوب انجام دادن کار، بلکه به دلیل کسب برتری در رقابت با دیگران، انجام می‌دهند. آن‌ها می‌خواهند عملکردشان بهتر از دیگران، و نه شایسته‌تر، باشد.

پیشینه‌ی عملی

اگر دانش‌آموزان به ایجاد هماهنگی میان هدف‌هایشان با آنچه می‌خواهند فراگیرند یا انجام دهند تشویق شوند، انگیزه‌ی بیشتری خواهند داشت و موفق‌تر خواهند بود، تا اینکه هدفشان را بر این اساس انتخاب کنند که چه کاری را در کلاس بهتر از سایرین انجام دهند. هنگامی که دانش‌آموزان برای رقابت با خود تشویق شوند، نه با دیگران و برای یادگیری تلاش کنند نه برای دست یافتن به اهداف عملکردی، انگیزش و پیشرفت آن‌ها افزایش می‌یابد. در یک پژوهش، به دو گروه مسئله‌ی یکسانی داده شد. به گروه اول گفته شد برای شکست حریفان تلاش کنند، اما به گروه دوم گفتند تا حد امکان مسئله را به بهترین شکل و کمترین زمان ممکن حل کنند؛ بدون اینکه از برنده شدن و بهتر

شدن از شخصی دیگر سخنی به میان آید. گروه اول که در مقایسه با گروه دوم انگیزش درونی کمتری برای حل مسئله داشت، برنده شد، ولی گروه دوم بازخوردی مثبت نسبت به خود و عملکردش دریافت کرد. عوامل شخصیتی، مانند میزان انگیزه‌ی پیشرفت، ممکن است آثار زیان‌بخش رقابت را تا حدی کاهش دهند. محققان آثار زیان‌بار رقابت را بارها بررسی کرده‌اند. دانش‌آموزان در ساختارهای مشوق همکاری، نسبت به شرایطی که در آن دانش‌آموزان در ساختارهای رقابتی فردی قرار می‌گیرند، هم‌کلاسی‌های خود را بیشتر تشویق می‌کنند.

نتیجه

از بدترین معایب اعتقاد به رقابت آموزشی این است که باعث تحمیل آموزش بیش از حد، به‌ویژه به بهترین محصلان، شده است. رقابت به‌عنوان واقعیتی آموزشی، نه تنها ناپسند است، بلکه به‌عنوان آرمانی فراروی جوانان نیز نامطلوب است. آنچه جهان امروز به آن نیاز دارد، نه رقابت، بلکه کار گروهی و همکاری است. برای آن‌هایی که غرق در آرمان رقابت هستند، درک مفهوم جامعه به‌عنوان یک تمامیت زنده بسیار مشکل است. ■

پیشنهادهای

- ۱ برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوع رقابت برای معلمان و اولیا
- ۲ تلاش برای فراگیری رویکرد یادگیری مشارکتی در مدارس
- ۳ آشنا کردن معلمان با روش تلاش فردی یا حداقل روش رقابت گروهی در برنامه‌های آموزش ضمن خدمت
- ۴ رسانه‌ای کردن آثار زیان‌بار رقابت
- ۵ شناسایی و پرورش استعداد‌های برتر هر دانش‌آموز نسبت به خودش در دوره‌ی ابتدایی
- ۶ همت مدیران، مشاوران و مربیان تربیتی بر اینکه با اجرای مستمر روش‌های تلاش فردی و رقابت گروهی، نواقص هر دانش‌آموز را با بیانی ساده، از طریق مشاوره‌ی فردی و بدون مقایسه با دیگران، به آن‌ها تفهیم کنند.
- ۷ آگاه کردن والدین از تأثیر تشویق بر تلاش فردی، از طریق برنامه‌های آموزشی خانواده

اصل این مقاله به همراه منابع در سایت مجله رشد آموزش ابتدایی قابل دستیابی است.

اقدام پژوهی راهی برای بالندگی

را حل می‌کند، بلکه با تکرار این فرایندها در طول زندگی حرفه‌ای خود، کم کم حس خودکارآمدی، بالندگی، رشد و توسعه‌ی حرفه‌ای پیدا می‌کند. علاوه بر آن، احاطه و تسلط بر دنیای عمل، معنا سازی، تقویت خود یادگیری، پرورش خلاقیت، پرورش تفکر انتقادی، احساس مالکیت شخصی در یادگیری، پیوند دنیای عمل و نظر و ... از سودمندی‌های فراوان اقدام پژوهی است. گزارش زیر اقدام پژوهی یک معلم است که گزارش پژوهش خود را به صورت یک فیلم کوتاه و ساده‌ی ۵ دقیقه‌ای روی اینترنت قرار داده است تا تمام معلمان دنیا از آن استفاده کنند. ما این فیلم را ترجمه و گزارش تصویری این معلم را به شکل مکتوب در آورده‌ایم. شما می‌توانید فیلم این پژوهش را از طریق نشانی اینترنتی زیر مشاهده فرمایید: www.eb.roshdmag.ir از شما دعوت می‌کنیم گزارش‌های اقدام پژوهی خود را با زبان ساده و روایت گونه برای ما بفرستید و با نشر آن، یافته‌هایتان را با دیگر همکارانتان سهیم شوید.

هیچ معلمی از پیدا شدن گره، مشکل و مسئله در کارش خشنود نمی‌شود، اما چه کنیم که حرفه‌ی ما در مسیری صاف و هموار پیش نمی‌رود و زندگی حرفه‌ای ما هر روز با چالش و مسئله‌ای جدید گره خورده است و ما به عنوان معلمان حرفه‌ای باید با تأمل بر مسئله، آن مشکل را حل و گره پیش آمده را باز کنیم. «اقدام پژوهی» فرایندی است که در آن معلمان پس از برخورد با مشکل در صدد حل آن برمی‌آیند. آنان ابتدا، ابعاد مسئله را به دقت بررسی می‌کنند و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون و ابداع راه‌حل‌های متعدد، مناسب‌ترین راه‌حل را انتخاب و اجرا می‌کنند. معلم پژوهشگر در طول مدت اجرا، به خوبی اوضاع را زیر نظر می‌گیرد و تغییرات را رصد می‌کند: «آیا مشکل در حال رفع و بهبود است؟» او نتایج اقدامش را هوشیارانه تعقیب می‌کند و شواهدی دال بر رفع یا بهبود مشکل جمع‌آوری و در نهایت، با تمرکز همه جانبه مشکل را حل می‌کند. معلم با سپری کردن فرایند اقدام پژوهی، نه تنها مشکل دنیای عملش

وسایل آشنا نبودند. این تحقیق باعث شد مشکلم را به درستی مطالعه کنم و سازوکار مدیریتی جدیدی را برای حل مسئله‌ی قرض دادن مداد در کلاس‌م ایجاد کنم. بعد از جست‌وجوی راهکار در اینترنت درباره‌ی مشکل برگرداندن مداد، راه‌حل را پیدا کردم: اگر من از دانش‌آموزان بخواهم در ازای مداد چیزی را که برای آن‌ها ارزشمند است در زمان قرض گرفتن مداد به من بدهند و آن شیء را زمانی که می‌خواهند مداد را پس بدهند پس بگیرند، آیا کمک می‌کند تعداد مدادهایی که در پایان کار برگردانده می‌شوند، بیشتر شوند؟

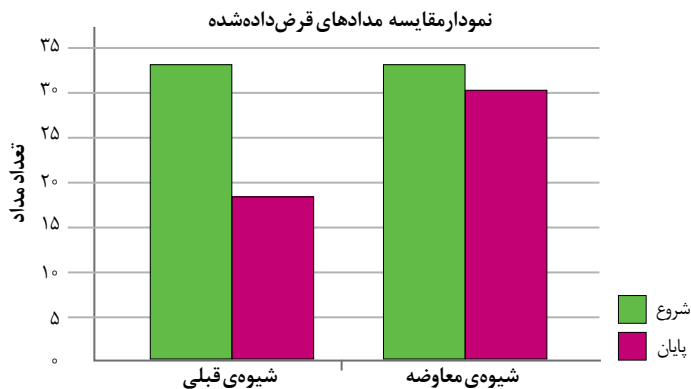
تنها چند مداد شکسته و از کار افتاده داشتیم. از آنجا که این روش صادقانه‌ی من جواب نداد، از آن به بعد اسم دانش‌آموزانی را که مداد قرض می‌گرفتند یادداشت می‌کردم و زمانی که مداد را برمی‌گرداندند، جلوی اسم آن‌ها علامت می‌زدم. این روش جواب نداد و من باید هر روز برای پیدا کردن مدادهای نبال دانش‌آموزان می‌گشتم. علاوه بر این، این کار خیلی وقت‌گیر بود، چون نمی‌توانستم همه‌ی اسم‌ها را علامت بزنم، مگر اینکه کسی به من کمک می‌کرد و چون بچه‌ها خیلی کوچک بودند، هنوز با برخی مهارت‌ها برای برگرداندن

سلام من جانا مارگوسن هستم. این ویدیو مطالعه‌ی اقدام پژوهی مرا برای یک دوره‌ی آموزشی توصیف می‌کند. روزها بود به مشکلی که در سر کار داشتم فکر می‌کردم و مرتب روی آن تمرکز داشتم. من در برنامه‌ای به اسم «تفکر گروهی»، در یک کلاس پایه‌های اول و دوم، مدیر برنامه بودم. هر روز در طول زمانی که فعالیت‌های کلاسی را در مدرسه انجام می‌دادیم به دانش‌آموزانم مداد می‌دادم و متأسفانه بعد از یک هفته تمام مدادهای من ناپدید می‌شد. دوباره در هفته‌ی بعد جامدادی را بر از مداد می‌کردم، ولی باز هم در آخر هفته

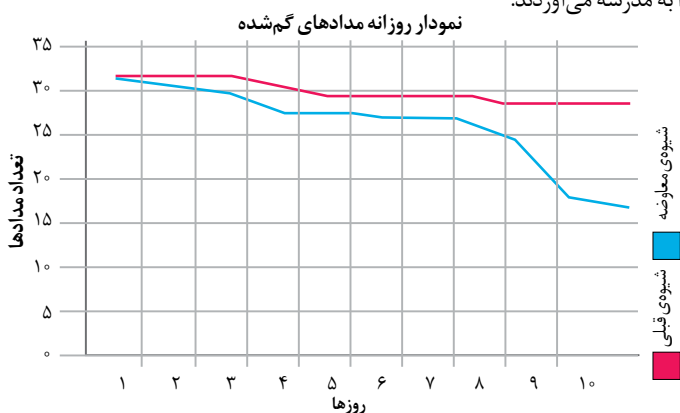


نتایج

سازوکار معاوضه پنج بار بیشتر از سازوکار قبلی مؤثر بود. در طول نه روز اول، تعداد مداخلات من از ۳۲ به ۱۷ رسید و زمانی که روش معاوضه را به کار بردم، تعداد مداخلات من از ۳۲ به ۲۹ رسید. همان‌طور که نمودارها نشان می‌دهند در روش جدید معاوضه، من کمتر از پنج مداد از دست دادم. نمودار سبز نشان‌دهنده مداخلاتی است که در هر دو روش به دانش‌آموزان قرض دادم. نمودار بنفش نشان‌دهنده مداخلاتی است که در انتهای هر روز از دانش‌آموزان دریافت می‌کردم.



در طول زمان، با برقراری راهکار جدید، من به تدریج مداخلات کمتری از دست می‌دادم. نمودار زیر میزان روزانه کمیود مداخلات را نشان می‌دهد. خط قرمز نشان‌دهنده تعداد مداخلات برگشتی در سازوکار صادقانه و خط آبی نشان‌دهنده تعداد مداخلات برگشتی در روش معاوضه در هر روز است. هر دو روش با تعداد مشابهی شروع شدند و در نیمی از این دوره، در روش معاوضه، من تنها ۲ مداد از دست دادم. در آخر هم در روش صادقانه من ۱۵ مداد در ۹ روز و در سیستم معاوضه تنها سه مداد از دست دادم. باید اقرار کنم، نتایج برای من خیلی شگفت‌آور بود. همکاران من نیز چنین مشکلی در مورد از دست دادن مداخلات‌شان داشتند و هیچ کدام شیوه مؤثری برای قرض دادن مداد به دانش‌آموزانشان پیدا نکرده بودند. من انتظار نداشتم این روش به این اندازه مؤثر باشد. علاوه بر این، از آنجا که دانش‌آموزان دوست نداشتم اشیای خود را گم کنند، کم بعضی از آن‌ها به جای قرض کردن مداد و ترس از دست دادن اشیای خود، مداخلات خود را به مدرسه می‌آوردند.



اقدام پژوهی حرفه‌ای در مدارس ایران، در برخی موارد، مسیر و هدف اصلی خود را گم کرده است. آنان موضوعاتی جشنواره‌پسند انتخاب و در قالبی که به ایشان دستور می‌شود، صفحاتی را پر و به دبیرخانه‌ها می‌فرستند. از سوی دیگر، برخی مسئولان در مناطق نیز به این روند نمایشی و جشنواره‌ای شدن اقدام پژوهی دامن می‌زنند.

برای جمع‌آوری داده‌های پایه‌ای خود، ۳۲ مداد جدید خریدم و با ماژیک رنگ ثابت، علامت TT را روی آن‌ها نوشتم، که مخفف تفکر گروهی (think together) بود. در طول نه روز، این مداخلات را بر اساس سازوکار صادقانه قبلی به دانش‌آموزان قرض می‌دادم. هر روز جعبه‌ی مداد را روی میز می‌گذاشتم. بچه‌ها آزادانه مداخلات را برمی‌داشتند و در انتهای روز، در صورتی که تمایل داشتند، آن‌ها را برمی‌گرداندند. سپس سازوکار معاوضه را ابداع کردم. من روز قبل از اجرای این روش، برای بچه‌ها درباره‌ی معاوضه توضیح دادم تا جای سؤال باقی نماند. به آن‌ها گفتم، روز بعد که به کلاس می‌آیند، باید اشیایی را به من بدهند تا در ازای آن به آن‌ها مداد بدهم. روز بعد، من دوباره ۳۲ مداد داشتم که روی آن‌ها TT نوشتم. جعبه‌ی مداد را روی میز گذاشتم و یک دانش‌آموز را به‌عنوان مبصر مسئول کردم تا در ازای تحویل گرفتن چیزی، به دانش‌آموزان مداد بدهد. او موقع برگشت مداد اشیای را به دانش‌آموزان پس می‌داد. در طول نه روز از این روش استفاده کردم.

نتیجه‌گیری

از این تحقیق نتیجه می‌گیرم، دانش‌آموزان عامل اصلی در مدیریت کلاس هستند که شما اعمال می‌کنید. قبل از این، دانش‌آموزان انگیزه‌ای برای برگرداندن مداد نداشتند، چون هیچ عواقبی در انتظارشان نبود، روش معاوضه‌ی جدید به دانش‌آموزان من این امکان را داد تا در مقابل مدادی که قرض می‌گیرند، حس مسئولیت‌پذیری پیدا کنند، زیرا می‌خواستند آنچه را که نزد من امانت گذاشته بودند دریافت کنند. من از این روش در کلاس هم‌چنان استفاده کردم و این روش نه تنها تأثیر گذار، بلکه کارآمد نیز بود. نماینده‌ی کلاس من (مبصر) در جمع‌آوری مداخلات کمک و از وسایل بچه‌ها نگهداری می‌کند. این روش به لحاظ زمانی مقرون به‌صرفه و کم‌زحمت است. دیگر به دنبال مداخلات نیستم و هر بار تعداد برگشتی‌های آن‌ها بیشتر می‌شود. ■

خاطره

یک درس خوش مزه!

آن سال هم مثل سال‌های گذشته این موضوع مطرح شد که برای درس «فرهنگ بومی» چه کار کنیم تا هم بچه‌ها بهتر با فرهنگ شهر و محله‌شان آشنا شوند و هم یادگیری عمیق‌تر شود. یک روز که در مدرسه جشنواره‌ی غذای سالم برگزار شده بود، به فکر رسید برای ارائه‌ی درس «فرهنگ بومی» کتاب فارسی از این برنامه استفاده کنیم. چون به کمک خانواده‌ها نیاز داشتیم، موضوع را در جلسه‌ی آموزش خانواده مطرح کردیم. پس از تبادل نظر و هم‌فکری با مادرها، قرار شد به کمک هم این درس را تدریس کنیم. بنابراین، از چند روز قبل از اینکه به این مبحث برسیم، به مادرها اطلاع دادیم غذای محلی مربوط به شهر خودشان را درست کنند و بچه‌ها هم در کنارشان یادداشت بردارند (یکی از مراحل کاوشگری در علوم). حتی پیشنهاد دادیم از خاطرات بزرگ‌ترها و مطالب و عکس‌های سایت‌ها هم استفاده کنند.

روز مراسم غذای محلی فرا رسید. خانواده‌ها غذای محلی به دست وارد مدرسه شدند. شور و هیجانی برپا بود! بچه‌ها به‌صورت گروهی مطالب جمع‌آوری شده را بررسی می‌کردند تا تصمیم بگیرند کدام مطالب ابتدا و کدام مطالب در انتهای برنامه مطرح شوند. چنان با هم گرم و صمیمی شده بودند که انگار همان بچه‌های سابق نبودند! خلاصه همدلی خوبی ایجاد شده بود (همان همدلی که در مطالعات خوانده بودیم) بعضی‌ها هم لباس محلی پوشیده و فوق‌العاده دلنشین شده بودند. روی میز هم پر از غذاهای گوناگون بود. هنگام ارائه مطالب، گروه دانشمندان کوچک «کشک بادمجان» و گروه علم و دانش «آش ترش» را معرفی کردند و در مورد خاصیت موادی که در غذاها بودند، اطلاعات مفیدی به ما دادند. گروه دانشمندان کوچک درمورد تفاوت خواص بادمجان محلی که به‌صورت طبیعی کشت می‌شود با بادمجان گلخانه‌ای توضیح دادند. با این کار به مبحث تغییرات محیط‌زیست در درس علوم نیز اشاره شد. سپس مطالب هر گروه روی تخته نوشته شد و بچه‌های دیگر یادداشت‌برداری کردند و بعد مطالب نقد و بررسی شدند. بعد از آن قرار شد در رنگ تفریح غذاها با هم مبادله شوند تا گریزی هم به مبحث پول در درس ریاضی بزنیم. البته هزینه‌های جمع‌آوری شده صرف امور خیریه‌ی مدرسه شد. همچنین متذکر شدیم، در خوردن زیاده‌روی نشود، چون در درس هدیه اسراف را از خود دور کرده بودیم. آن روز با کمک مادرها درسی را یاد گرفتیم که مانند زنجیری همه‌ی درس‌ها را به هم مرتبط کرده بود.

پروژه‌ی غذای محلی در آن روز به پایان رسید، ولی عطر و طعم هیجان آن ماندگار شد.



تجربه

بچه‌های محقق وارد کار می‌شوند

نوبت درس «فرهنگ بومی ۲» رسیده بود. با بچه‌ها مشورت کردم که برای این قسمت چه کار کنیم. نظرات مطرح و موضوعاتی مانند لباس، آداب و رسوم و مشاهیر و بزرگان شهر و محله بررسی شدند. در نهایت قرار شد روی موضوع «مشاهیر شهرمان» تحقیق کنیم.

ابتدا می‌خواستیم درباره‌ی زندگی نامه‌ی یکی از بزرگان شهر تحقیق کنیم، ولی کم‌کم به این نتیجه رسیدیم که به جای تمرکز بر یکی از بزرگان، هر گروه روی زندگی یکی از شخصیت‌های شهر کار کند. چون در کلاس چهار گروه داشتیم، می‌توانستیم در مدت کوتاهی با چهار نفر از مشاهیر شهرمان آشنا شویم.

پس از تقسیم‌بندی وظایف، از همان روز کار را آغاز کردیم. قرار شد بچه‌ها از همه‌ی افراد، از مدیر مدرسه گرفته تا خدمت‌گزار، اهالی محله، مسئول کتابخانه و سایت، کمک بگیرند. با این کار می‌توانستیم گذری هم بر درس مطالعات (ارتباط با دیگران) داشته باشیم. بچه‌ها وارد میدان تحقیق شده بودند. هر روز مطالب خود را با هم بررسی می‌کردند و خاطرات خودشان را می‌گفتند و لذت می‌بردند.

هر گاه مطالب هر گروه کامل و آماده‌ی ارائه می‌شد، پروژه هم آغاز می‌شد. گروه دانشمندان کوچک که در مورد زندگی نامه‌ی حضرت آیت‌الله میرحیدر آملی تحقیق کرده بودند، کار خود را با نمایش شروع کردند. از آنجا که قرار بود کار هر گروه در پایان بررسی شود و ستاره بگیرند، بچه‌ها با دقت به راوی گوش می‌دادند.

پس از پایان ارائه، مطالب روی تخته نوشته و نظرات یادداشت می‌شد. کسی که مطالب را روی تخته می‌نوشت، خودش را کاتب معرفی می‌کرد. این عنوان گریزی بود به درس مطالعات (تاریخ قبل از اسلام). اتفاقاً شوق و ذوق زیادی در کلاس ایجاد کرده بود.

این برنامه هر جلسه ادامه پیدا کرد و هر گروه مطالب خود را در قالب قصه‌گویی یا نمایش اجرا می‌کرد و ما ضمن اینکه از درس لذت می‌بردیم، نکته‌های تازه‌ای درباره‌ی بزرگان شهر می‌آموختیم. ■



مهارت‌های زندگی در مدرسه

بی‌تردید، امروزه باید به مهارت‌آموزی در مدارس توجه ویژه‌ای شود؛ به‌خصوص به بخش مهارت‌های زندگی. آموزش مهارت‌های زندگی یکی از مسئولیت‌های مهم در امر تعلیم و تربیت است؛ مهارت‌هایی چون صبر، دوستیابی، کنترل خشم، کار گروهی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی، و فرهنگ صلح. بدیهی است، آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان نقش مؤثری دارد. باید توجه داشت که کلاس درس، علاوه بر آموزش مفاهیم و نکات کتاب درسی، موقعیت مناسبی است برای توجه به مهارت‌های زندگی. هدف این مقاله آن است که به‌طور عملی نشان دهد به راحتی و با کمی خلاقیت می‌توان از توانایی‌های متنوع دانش‌آموزان برای آموزش موضوع مهمی چون صلح بهره جست؛ مهارتی که به خاطر تأکید بیش از حد مدرسه روی محفوظات و آزمون‌ها، مدت‌هاست رنگ باخته است و جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. با ادبیات و هوش‌های چندگانه^۱ می‌توان روی آموزش مهارت‌های زندگی کار کرد و به این موضوع جان بخشید.

تفاوت‌های فردی و هوش‌های چندگانه

از زمانی که روان‌شناس معاصر، هوارد گاردنر^۲، نظریه‌ی هوش‌های چندگانه را مطرح کرد، طولی نکشید که این نظریه به ابزاری نیرومند در دستان معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی تبدیل شد. گاردنر هشت نوع هوش را مطرح کرد که همه‌ی انسان‌ها آن‌ها را دارند، اما قوت و ضعف آن‌ها به دو عامل وراثت و محیط بستگی دارد.

با استفاده از هوش‌های چندگانه می‌توان فضای آموزشی را غنی‌تر کرد و به نیازهای

آموزش مهارت‌های زندگی با هوش‌های چندگانه؛ فرهنگ صلح



فردی دانش‌آموزان پاسخ داد. چنانچه دستاوردهای این نظریه هوشمندانه به خدمت گرفته شود، هوش‌های چندگانه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند با تکیه بر توانایی‌های منحصر به فرد خود، با اعتماد به نفس و شادابی بیشتری درس بخوانند و در عین حال لذت ببرند زیرا علاقه‌ها و توانایی‌های فردی آن‌ها در مدرسه محترم شمرده می‌شود.

(برای اطلاعات بیشتر به صفحه‌ی ۳ جلد این شماره مراجعه کنید.)

با توجه به اهمیت خودشناسی و جایگاه ویژه‌ی ارزش‌های انسانی و مهارت‌های زندگی، بزرگان علم روان‌شناسی آموزشی همواره متذکر شده‌اند که بهتر است در مدرسه روی هوش‌های «درون‌فردی» و «بین‌فردی» تأکید خاصی شود. به این منظور، آموزش ادبیات می‌تواند نقش مؤثری در پرورش دانش‌آموزان داشته باشد. باید توجه داشت، آموزش ادبیات نباید به معنی کردن واژه‌ها یا حفظ کردن شعر محدود شود. این کار جلوی تفکر دانش‌آموزان را می‌گیرد و در عین حال ملال‌آور و کسل‌کننده است. با توجه به هوش‌های چندگانه، همه‌ی دانش‌آموزان می‌توانند کارهای خلاقانه ارائه دهند چون در برنامه تنها به مهارت‌های کلامی خواندن و نوشتن اکتفا نمی‌شود. با این‌گونه فعالیت‌های متنوع و خلاقانه، یادگیری لذت‌بخش می‌شود و ماندگاری بیشتری خواهد داشت. در عین حال، می‌توان در فرایند یاددهی - یادگیری به پرورش مهارت‌های زندگی و ارزش‌های والایی چون صلح و دوستی، به‌ویژه صلح جهانی، نیز توجه کرد.

نمونه‌ی فعالیت در زمینه‌ی ادبیات و مهارت‌های زندگی

در راستای توجه به تفاوت‌های فردی و آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه،

یکی از فعالیت‌های انجام شده در دبستانی که من مدیر آن هستم، آموزش شعر «سرای امید» اثر هوشنگ ابتهاج (سایه) است که به‌عنوان درس در کتاب پنجم ابتدایی آمده است. روش تدریسی که در این مقاله تبیین شده، تنها نمونه‌ای است از به‌کارگیری هوش‌های چندگانه و پرداختن به مهارت‌های زندگی در کلاس درس. در این شعر، اگرچه ابتهاج به موضوع مهمی چون وطن‌دوستی اشاره می‌کند و وطنش را سرای امید می‌داند، با ظرافت و به‌طور هوشمندانه‌ای در لایه‌لای شعر به صلح در همه‌ی جهان اشاره می‌کند. شاعر به خوبی می‌داند که صلح واقعی و پایدار زمانی محقق می‌شود که همه‌ی جهان در صلح و آرامش باشند.

سرای امید

ایران ای سرای امید
بر بامت سپیده دمید
بنگر کزین ره پر خون
خورشیدی خجسته رسید
اگرچه دل‌ها پر خون است
شکوه شادی افزون است
سپیده‌ی ما گلگون است
که دست دشمن در خون است
ای ایران، غمت مرساد
جاویدان شکوه تو باد

راه ما، راه حق، راه بهروزی است
اتحاد، اتحاد رمز پیروزی است
صلح و آزادی جاودانه در همه جهان
خوش باد
یادگار خون عاشقان، ای بهار
ای بهار تازه جاودان در این چمن
شکفته باد

هوشنگ ابتهاج (سایه)

فرهنگ صلح

در این فعالیت، دانش‌آموزان آزاد گذاشته شدند تا به روش دلخواه و با توجه به توانایی‌های فردی خود احساساتشان را نسبت به شعر به نمایش بگذارند. در اینجا چند نمونه از آثار دانش‌آموزان در قالب‌های متنوع نشان داده می‌شوند. با اشاره به قسمتی از شعر که گفته می‌شود «صلح و آزادی جاودانه در همه جهان خوش باد»، پروژه‌ی درسی و مهارت‌های زندگی با موضوع «صلح» شکل گرفت.

به‌خاطر ابعاد احساسی و انسانی مهارت‌های زندگی و موضوع صلح، بی‌تردید در همه‌ی فعالیت‌های این درس به هوش درون‌فردی و هوش بین‌فردی توجه شده، اما با آزاد گذاشتن دانش‌آموزان در ارائه‌ی کار، هر یک از آن‌ها بسته به توانایی‌های فردی خود از هوش‌های دیگری استفاده کردند.

هوش فضایی

چند دانش‌آموز ترجیح دادند از هوش فضایی خود بهره ببرند و درک خود را از مفهوم شعر با نقاشی نشان دهند.



آران جلالیان، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

در این راه خلاقیت بی‌پایان است، به‌شرط آنکه به علاقه‌ها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه و احترام گذاشته شود. قدرت استفاده از هوش‌های چندگانه در کلاس درس در همین است.



دامون حمیدی، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

دانش‌آموز دیگری ترجیح داد با استفاده از هوش فضایی خود دو روی سکه را با نقاشی آستره نمایش دهد؛ با دو عنوان متضاد «جنگ» و «صلح».



مانی موسوی، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

این هم نقاشی آستره‌ی همان دانش‌آموز است با عنوان «صلح». به گفته‌ی او خطوط نرم و رنگ‌های شاد احساسش را نسبت به صلح نشان می‌دهند.



مانی موسوی، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

برای اینکه دانش‌آموزان نسبت به فرایند تفکر خود و کاری که انجام می‌دهند خودآگاه باشند، بهتر است از آن‌ها خواسته شود مفهوم کارشان را توضیح دهند و در صورت امکان بنویسند. از آنجا که دانش‌آموزان در

انتخاب شیوه‌ی ارائه‌ی کار آزاد بوده‌اند، در بیان یا نگارش توضیحاتشان کار با کیفیتی انجام خواهند داد، چون با کارشان درگیر بوده‌اند و از آن لذت برده‌اند. توضیح دادن بر قدرت تفکر دانش‌آموزان می‌افزاید و به آن‌ها کمک می‌کند کارهای بعدی را با خودآگاهی بیشتری انجام دهند.

این هم بیان تصویری خلاقانه‌ی دیگری است از دانش‌آموزی دیگر با عنوان «صلح و آرامش». به همراه توضیح او درباره‌ی نقاشی‌اش.



پرواز فرح پور، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

این دانش‌آموز با اشتیاق توضیح داد که این نقاشی تصور او را از صلح نشان می‌دهد. وقتی از او توضیح بیشتری خواسته شد، گفت که در سمت چپ نقاشی یک کبوتر است (به نشانه‌ی صلح) و در وسط نقاشی یک دایناسور (به نشانه‌ی بی‌آزاری و صلح‌جویی؛ چراکه این دایناسور به خاطر گردن بلندش گیاه‌خوار است و درنده نیست). در سمت راست نقاشی هم خورشید است (به نشانه‌ی امید). به گفته‌ی او

همیشه امید هست، حتی اگر اندک باشد و تنها گوشه‌ای از نقاشی را پر کند. او در مورد رنگ‌ها و خطوط در نقاشی می‌گفت که برای نمایش صلح و آرامش، از خطوط نرم استفاده کرده است. وقتی درباره‌ی انتخاب رنگ‌ها از او سؤال شد، گفت که رنگ سبز کبوتر به نشانه‌ی شادی و نشاط، رنگ آبی دایناسور به نشانه‌ی صلح و آرامش و رنگ زرد خورشید به نشانه‌ی نور امید است. این همه نماد و مفهوم در نگاه اول به سختی دیده می‌شود. کافی است به دانش‌آموزان اعتماد کنیم، آزادی انتخاب بدهیم و فقط آن‌ها را هدایت کنیم.

هوش بدنی - حرکتی



دانش‌آموز دیگری ترجیح داد احساس و درک خود را از شعر با استفاده از هوش بدنی - حرکتی ابراز کند. در اینجا می‌توان بیان او را در مورد صلح و آزادی از طریق زبان بدن مشاهده کرد. از نظر او این حرکت نمایشی به نشانه‌ی «پرواز صلح» است.



پارسا حسینی، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

اگر دانش‌آموزی ترجیح می‌دهد درک خود را از طریق هوش فضایی یا بدنی - حرکتی یا هر هوش دیگری ابراز کند،

توجه به هوش‌های چندگانه در روش تدریس، در شیوه‌ی بیان به دانش‌آموزان آزادی عمل می‌دهد و محیط کلاس را برای آن‌ها شاداب‌تر می‌کند. به این ترتیب، دانش‌آموزان می‌توانند با توجه به توانایی‌های منحصر به فردشان و به هر روشی که دوست دارند، درک خود را از موضوع مورد بحث نشان دهند.



هوش هیجانی
نوشته‌ی استیو بوکت
انتشارات فراروان



هوش‌های چندگانه
نوشته‌ی مایک فلیتیم
انتشارات فراروان

آزادی انتخاب در ارزشیابی و شیوه‌ی بیان باعث می‌شود دانش‌آموزان کارهای خود را با علاقه‌ی بیشتری انجام دهند و در عین حال از کارشان لذت هم ببرند، چراکه در روش تدریس مبتنی بر هوش‌های چندگانه، دانش‌آموزان با تمام وجود درگیر می‌شوند.

تنها مانده
این بدیخت
می‌خواند آواز تنهایی
این من بودم؟
این من بودم...؟

آبتین پدرام‌فرد، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم



سخن پایانی

به‌نظر می‌رسد، آموزش مهارت‌های زندگی در کنار مطالب درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای کار کردن روی مفاهیم مهمی چون فرهنگ صلح، ادبیات می‌تواند الهام‌بخش باشد و نقش بسیار مؤثری ایفا کند. هوش‌های چندگانه نیز ابزار نیرومندی است که از نظر شیوه‌ی بیان به دانش‌آموزان آزادی عمل می‌دهد تا تکالیفی را که به‌صورت پروژه و عملکردی داده می‌شود، با تکیه بر توانایی‌های خود انجام دهند. به این ترتیب، مهارت‌های زندگی همواره به‌طور عملی در کلاس آموزش داده می‌شوند و دانش‌آموزان از انجام کار لذت می‌برند، چون به آن‌ها قدرت انتخاب داده می‌شود و می‌توانند برای بیان منظور خود با اعتمادبه‌نفس از توانایی‌هایشان استفاده کنند. ■

پی‌نوشت‌ها

1. Multiple Intelligences (MI)
2. Howard Gardner

لازم به ذکر است که در این مقاله (که در این جا با کمی تغییرات بازنگری شده است) نخستین بار در «خبرنامه‌ی الکترونیکی هوش‌های چندگانه» وابسته به نشریه‌ی بین‌المللی مؤسسه‌ی آموزشی ASCD کشور آمریکا در سال ۲۰۱۶ با این عنوان منتشر شد. "Promoting the Spirit of Peace through MI: Poetry, Personal Intelligences, and World Peace"

دکتر کارنده ضمن ارسال ایمیلی به نگارنده‌ی مقاله، استفاده از هوش‌های چندگانه را در آموزش فرهنگ صلح به‌عنوان یکی از مهارت‌های مهم زندگی مورد تأیید قرار دادند.

چرا نباید به او اجازه داد این کار را انجام دهد؟ با توجه به نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی هوارد گاردنر و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، به‌نظر می‌رسد عادلانه نباشد همه‌ی دانش‌آموزان را صرفاً به بیان کلامی یا پاسخ به سؤال‌های چندگزینه‌ای محدود کرد. شایان ذکر است، همه‌ی دانش‌آموزان کارهایشان را با هیجان زیادی تعریف می‌کردند. علت هم این بود که در شیوه‌ی بیان به آن‌ها آزادی عمل داده شده بود تا از توانایی‌های خود به‌شکل دلخواه استفاده کنند.

هوش زبانی - کلامی



دانش‌آموز دیگری ترجیح داد برای نشان دادن مفهوم صلح، علاوه بر هوش‌های درون‌فردی و بین‌فردی، از هوش زبانی - کلامی خود استفاده کند. نتیجه‌ی کار او شعری بود کوتاه، تفکربرانگیز و تکان‌دهنده با عنوان «صلح»؛ اثری پرمغز و موجز مانند سبک هایکوی ژاپنی.

صلح

گفتیم: «چه؟»

گفتیم: «که؟»

گفتیم: «وای!»

گفتند: «که!»

خبر را از تلویزیون شنیدیم.

وحشت کردیم!

امیر حسین نعمتی، دانش‌آموز پایه‌ی پنجم

جالب اینجاست که در شعر این دانش‌آموز هیچ اشاره‌ای به صلح نشده است، بلکه برعکس، تلویحاً اشاره‌ای گزنده و گلابه‌آمیز به جنگ شده

است. این شعر بازتاب تأثیر بی‌رحمی و خشونت بر کودکان در دنیای امروز است که در عین سادگی جنگ را به‌شدت تقبیح می‌کند.

استفاده‌ی ترکیبی از

هوش‌های چندگانه

دانش‌آموز دیگری از دیدگاه نسبتاً متفاوتی به موضوع نگاه کرد. از نظر او، نبودن صلح یعنی بی‌توجهی به انسانیت و احساسات دیگران. این دانش‌آموز ترجیح داد از توانایی‌های مختلفش استفاده کند و کاری ترکیبی ارائه دهد. او برای این کار از هوش زبانی - کلامی (استفاده‌ی مناسب از واژگان در شعر) هوش موسیقایی (کاربرد وزن و آهنگ در شعر)، و هوش فضایی (کشیدن نقاشی هماهنگ با مفهوم شعر) استفاده کرد. به‌گفته‌ی این دانش‌آموز نتیجه‌ی بدی کردن و بی‌توجهی به احساسات دیگران چیزی نیست جز تهایی. او برای نشان دادن پشیمانی و تأسف در پی بدی کردن به دیگران، از زبان پرنده‌ای غمگین شعری نوشت با عنوان «آه، این من بودم؟».

آه، این من بودم؟

پرنده‌ی زیبا

شده تنها دوباره

اشک جاری شده

از چشمان آن دوباره

خشمش فروزان شده

این پرنده‌ی بیچاره

شده آواره

روی شاخه‌ی درخت

اصل این مقاله به همراه منابع در سایت مجله رشد آموزش ابتدایی به نشانی www.eb.roshdmag.ir قابل دستیابی است.



اعلام اسامی برندگان

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود. در شماره‌ی ۷ مجله‌ی دوره‌ی گذشته (سال ۹۶-۹۵) در قالب مسابقه‌ای از شما خواستیم از دیوار نوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه‌ی خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. تعداد زیادی از مدیران و آموزگاران مدارس از این طرح استقبال کردند و از مهر امسال هم عکس‌ها را در صفحه‌های ۴۴-۴۵ مجله منتشر کرده‌ایم. البته تا پایان شماره‌ی ۸ عکس‌ها را هم چنان منتشر خواهیم کرد.

عکس‌های ارسالی شامل نقاشی‌های دیواری، کلاژ و استفاده از گل و گیاه در فضای مدرسه بودند. لازم به ذکر است که عکس‌ها به صورت موضوعی و بدون توجه به مباحث فنی و هنری عکاسی بررسی شدند. اسامی برندگان که بهترین نوع طراحی و اجرا را داشته‌اند مشخص شده‌اند و به بقیه‌ی شرکت‌کنندگان تقدیرنامه اعطا می‌شود. ضمن سپاس از حضور معلمان و مدیران مدارس که در این مسابقه شرکت کردند، نتیجه‌ی بررسی و داوری به این ترتیب اعلام می‌شود.

سه نفر اول

- ۱ دبستان پیروان امام علی (ع) در منطقه‌ی ۱۵ تهران / آموزگار پایه‌ی سوم مدرسه خانم فاطمه تقی‌زاده / به مدیریت آقای عظیمی؛ به دلیل کاربردی بودن و توجه به نیاز دانش‌آموزان در استفاده از چوب لباسی روی دیوارهای حیاط
- ۲ پیش‌دبستانی و دبستان پسرانه‌ی علم‌آوران ناحیه‌ی ۳ استان اصفهان / معاون پرورشی خانم شیوا ثابتی فرد؛ به دلیل استفاده‌ی خلاقانه از نقاشی دانش‌آموزان روی دیوار
- ۳ مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت شهرستان گلوگاه استان مازندران؛ به دلیل علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کتاب با استفاده از صفحات کتاب دایره‌المعارف روی دیوارهای حیاط مدرسه

سه نفر دوم

- ۴ مدرسه‌ی دخترانه‌ی کشتیرانی ۸ شهرستان چابهار / معاون مدرسه خانم مه‌لقا کرد؛ به دلیل استفاده‌ی مناسب از مطالب مجلات رشد با نقاشی دیواری
- ۵ آموزشگاه توحید خراسان رضوی، شهرستان تایباد / مدیر آموزشگاه خانم فاطمه اخترروزگار؛ به دلیل استفاده از نقاشی دیواری با رنگ‌آمیزی مناسب با سن دانش‌آموزان و همچنین استفاده از مطالب آموزشی در این نقاشی‌ها
- ۶ دبستان پسرانه‌ی شهید تندگویان ناحیه‌ی ۵ اصفهان / آموزگار پایه‌ی دوم خانم نسرین اقدامی؛ به دلیل استفاده از بناهای تاریخی ایران در نقاشی‌های دیواری



دبستان پیروان امام علی (ع) / منطقه‌ی ۱۵

بخش گل و گیاه

در بخش استفاده از گل و گیاه و همچنین احداث باغچه در مدرسه، به‌طور مشترک از افراد و مدارس زیر تقدیر به عمل می‌آید:

- ۱ دبستان آزادی ریگو، قشم منطقه‌ی شهاب، روستای ریگو/سمیه آفی راد
- ۲ دبستان هیئت امنایی نامجو، زاهدان/مدیر خانم پروین کدخدازاده
- ۳ دبستان پسرانه‌ی شاهد شهدای مدافع حرم، خمینی شهر/آقای حسن نوروزی
- ۴ مدرسه‌ی شهدای اسقلال، آستانه‌ی اشرفیه/مدیر خانم فاطمه امین ناصری
- ۵ مدرسه‌ی غیردولتی ممتازان، آق‌قلا استان گلستان/آموزگار پایه‌ی پنجم خانم سمیه کمی



دبستان آزادی ریگو/قشم/منطقه‌ی شهاب/روستای ریگو



دبستان هیئت امنایی نامجو/زاهدان



دبستان پسرانه‌ی شاهد شهدای مدافع حرم / خمینی شهر



مدرسه‌ی شهدای استقلال / آستانه‌ی اشرافیه



مدرسه غیر دولتی ممتازان / آق قلا، استان گلستان



مدرسه دخترانه‌ی تربیت / شهرستان گلوگاه، استان مازندران



پیش دبستانی و دبستان پسرانه ی علم آوران / ناحیه ی ۳ استان اصفهان



آموزشگاه توحید / خراسان رضوی، شهرستان تایباد



مدرسه دخترانه ی کشتیرانی ۸ / شهرستان چابهار



دبستان پسرانه ی شهید تند گویان / ناحیه ی ۵ اصفهان

برای ارسال جوایز با برندگان عزیز مکاتبه می شود. لطفاً از تماس با دفتر مجله خودداری فرمایید.

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه ۴۷ درج شده است.

- ۱ سمیه صفار؛ آموزگار - قشم
«نکته‌های کلیدی سلامتی و تندرستی»
- ۲ حسین سلیمانی؛ آموزگار - زنجان
«ترکان پارسی گوی»
- ۳ سعید چگنی؛ آموزگار - استان لرستان شهر
بروجرد
«آزمون عملکردی، آزمون مداد کاغذی»
- ۴ حمیدرضا ترابی گودرزی؛ - مدیر مدرسه - تهران
«هزاره سوم یادگیرنده مادام‌العمر می‌خواهد»
- ۵ سرور عزتیان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد
روان‌شناسی بالینی - استان آذربایجان غربی، شهر
شاهین‌دژ
«تأثیر موسیقی بر یادگیری دانش‌آموزان»
- ۶ حیدر کریمی؛ آموزگار - استان آذربایجان شرقی،
شهر سقز
«بررسی اثربخشی آموزش کارکردهای اجرایی بر اضطراب
مدرسه و عملکرد تحصیلی املا کودکان مبتلا به اختلال
نقص توجه بیش‌فعالی شهرستان سقز»، «اثربخشی
بازپروری شناختی بر ارتقا خواندن و حافظه فعال
دانش‌آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری خواندن»
- ۷ فاطمه دهقانی فیروزآبادی؛ آموزگار - استان یزد،
شهر میبد
«تجربه: آرزویی که یادم آمد امروز به آن رسیده‌ام»
- ۸ ربابه ارشدی؛ آموزگار بازنشسته - استان
مازندران، شهر ساری
«خاطره: بهترین هدیه»
- ۹ هادی عبدیزدان؛ آموزگار - اصفهان
«خاطره»
- ۱۰ ملیحه ربیعی گورانسراب؛ دانشجوی دکتری -
تهران
«مدرسه، جامعه‌ای کوچک»
- ۱۱ نگین مقصودی؛ آموزگار - استان اصفهان،
شهرستان برخوار
«تجربه: جشنواره گل»
- ۱۲ منصوره رام؛ آموزگار - شهرستان آزادشهر،
استان گلستان
«بررسی عوامل مؤثر در افت تحصیلی ریاضی در مقطع ابتدایی»
- ۱۳ تبارکه رجبی؛ آموزگار - استان زنجان، شهرستان
خرم‌دره
«دل‌نوشته‌های دانش‌آموزان کلاس چهارم از جشن ولایت»
- ۱۴ شیدا اچرش؛ آموزگار - استان خوزستان، شهر
اهواز
«قابل و توصیف و بررسی قابل در کتاب فارسی خوانداری،
پایه سوم و چهارم ابتدایی»
- ۱۵ نجمه السادات میرمحمدی؛ کارشناس آموزش
نیروی انسانی - استان تهران، شهر ورامین
«حرف‌های مگوگوی معلم‌ها»
- ۱۶ میلاد قلی‌زاده، الهه مقیمی؛ آموزگار - استان
مازندران، شهر آمل
«بررسی جایگاه فناوری اطلاعات در طراحی برنامه درسی و
تأثیر آن بر بهبود یادگیری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»
- ۱۷ رقیه زراعتی ایده‌لو؛ آموزگار - تهران
«راهنمای کاربردی آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان
دبستانی»
- ۱۸ حیدر بایزیدی؛ آموزگار - استان کردستان، شهر
سقز
«نگاهی به مدارس غیردولتی»
- ۱۹ نرگس ابراهیمی؛ آموزگار - استان مازندران، شهر تنکابن
«نشا به زبان گیلکی»
- ۲۰ حامد ابراهیمی خاکباز؛ آموزگار - قم
«بررسی وضعیت موجود و مطلوب مدارس هوشمند از
دیدگاه دبیران»
- ۲۱ احسان امرا، احمد طالعی فرد؛ آموزگار - قم
«بررسی میزان آشنایی معلمان ابتدایی شهر قم با عناصر
برنامه‌ریزی درسی و نقش آن در تدوین طراحی آموزشی»
- ۲۲ فاضله افضل، راحله رستمی، شیدا شریفی؛
دانشجو - استان مازندران، شهر ساری
«فضاهای آموزشی دوره میانی از دیدگاه روانشناسی محیط»
- ۲۳ سید رضا تولایی زاده؛ آموزگار
«داستان یک روز به یاد ماندنی»
- ۲۴ ناصر علی‌مرادی؛ آموزگار - استان ایلام، شهر
سرابله
«از همه برتر بودن در نظام ارزشیابی توصیفی جایگاهی
ندارد!»



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کو‌رک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوآموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نو جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پرهان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد چراغ** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۷.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماه‌نامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماه‌نامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
 ۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.

از آنجا که مطالب هر شماره از ماه‌نامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماه‌نامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماه‌نامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

نظرسنجی رشد آموزش ابتدایی

مخاطب گرامی، در نظر داریم در نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب و موضوعات مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تغییراتی ایجاد کنیم. این مجله برای شما تهیه می‌شود و این شما هستید که باید به ما بگویید چگونه مجله‌ای می‌خواهید.

پاسخ‌های دقیق شما به سؤال‌های زیر به ما کمک می‌کند از تلاش خود بهره‌ی بهتری نصیب جامعه‌ی معلمان ابتدایی کنیم. به ما کمک کنید بدانیم شما چه انتظاری از مجله‌ی مخصوص خودتان دارید. شرکت در این نظرسنجی وقت کوتاهی از شما خواهد گرفت، اما می‌تواند راهنمای ما برای ادامه‌ی راهی طولانی و درست‌تر باشد. متن پرسش‌نامه در سایت مجلات رشد به نشانی زیر موجود است:

<http://www.roshdmag.ir>

می‌توانید به‌طور مستقیم به لینک زیر نیز مراجعه فرمایید:

<http://www.roshdmag.ir/fa/nazarsanjibtedaiee>

برای استفاده از نسخه‌ی تلفن همراه پرسش‌نامه، بارکد مقابل را اسکن کنید.



در وبگاه اختصاصی ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی می‌توانید به فایل‌های صوتی و تصویری و همچنین بعضی از مطالب بیشتر دسترسی داشته باشید یا شماره‌های قبلی ماهنامه را دانلود کنید و حتی می‌توانید مقالات و گزارش از فعالیت‌های خود را از صفحه‌ی مخصوصی که در اختیار شماست آپلود کنید.

<http://www.eb.roshdmag.ir>



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مركز مطالعات و پژوهش‌های آموزشی

اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای شما

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۳ ۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات درخواستی:

.....

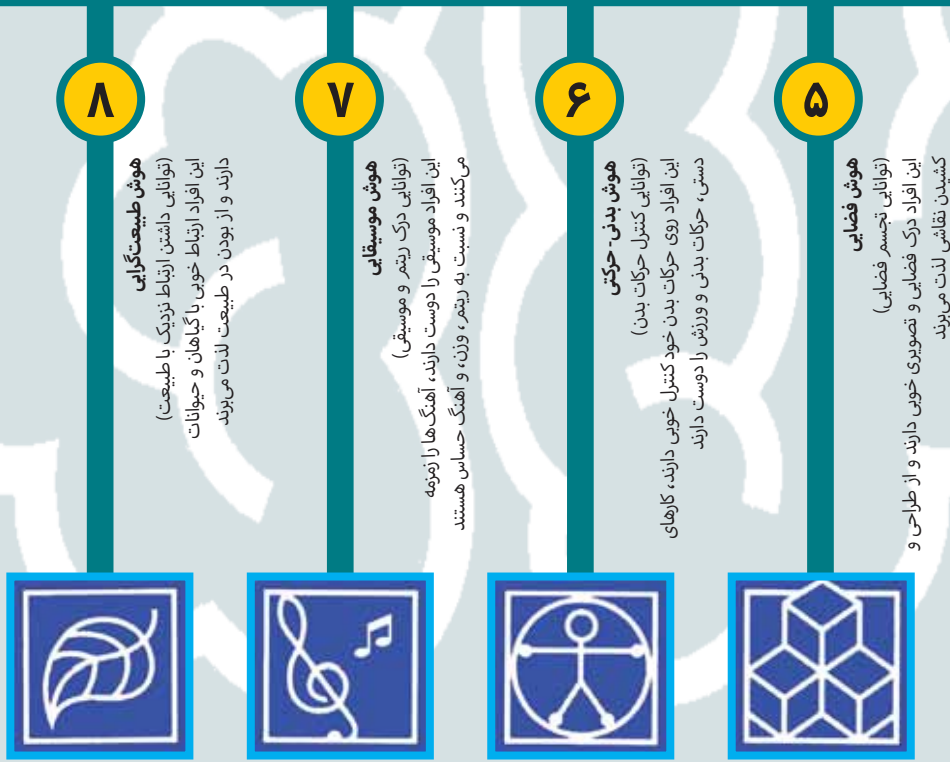
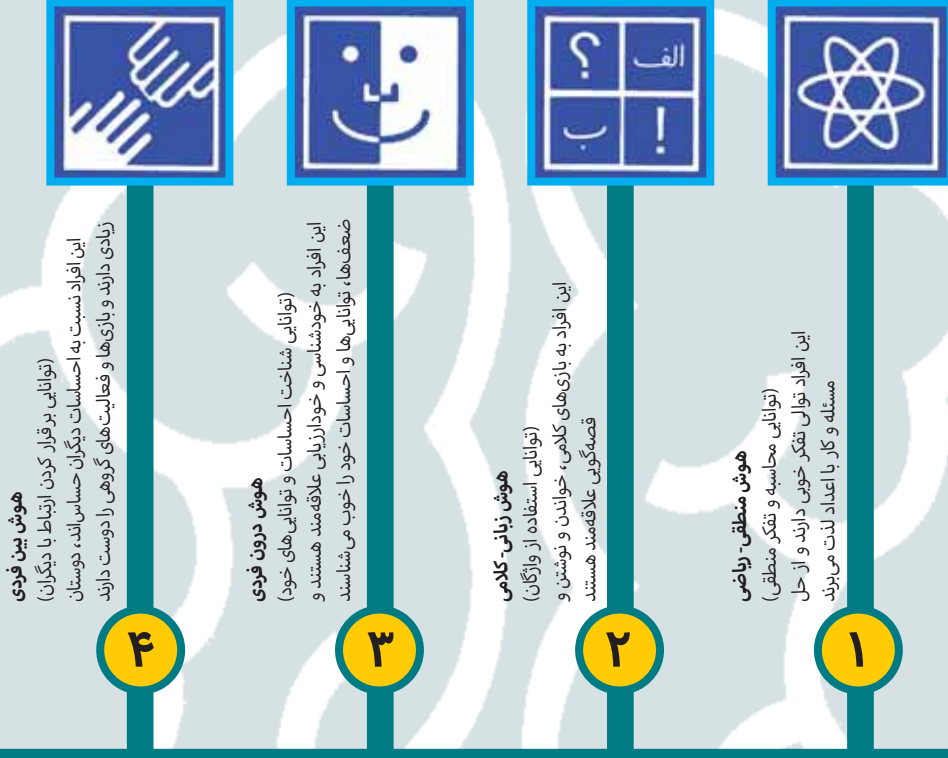
- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد:
- ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- ♦ استان:
- ♦ شهرستان:
- ♦ خیابان:
- ♦ پلاک:
- ♦ شماره پستی:
- ♦ شماره فیش بانکی:
- ♦ مبلغ پرداختی:
- ♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

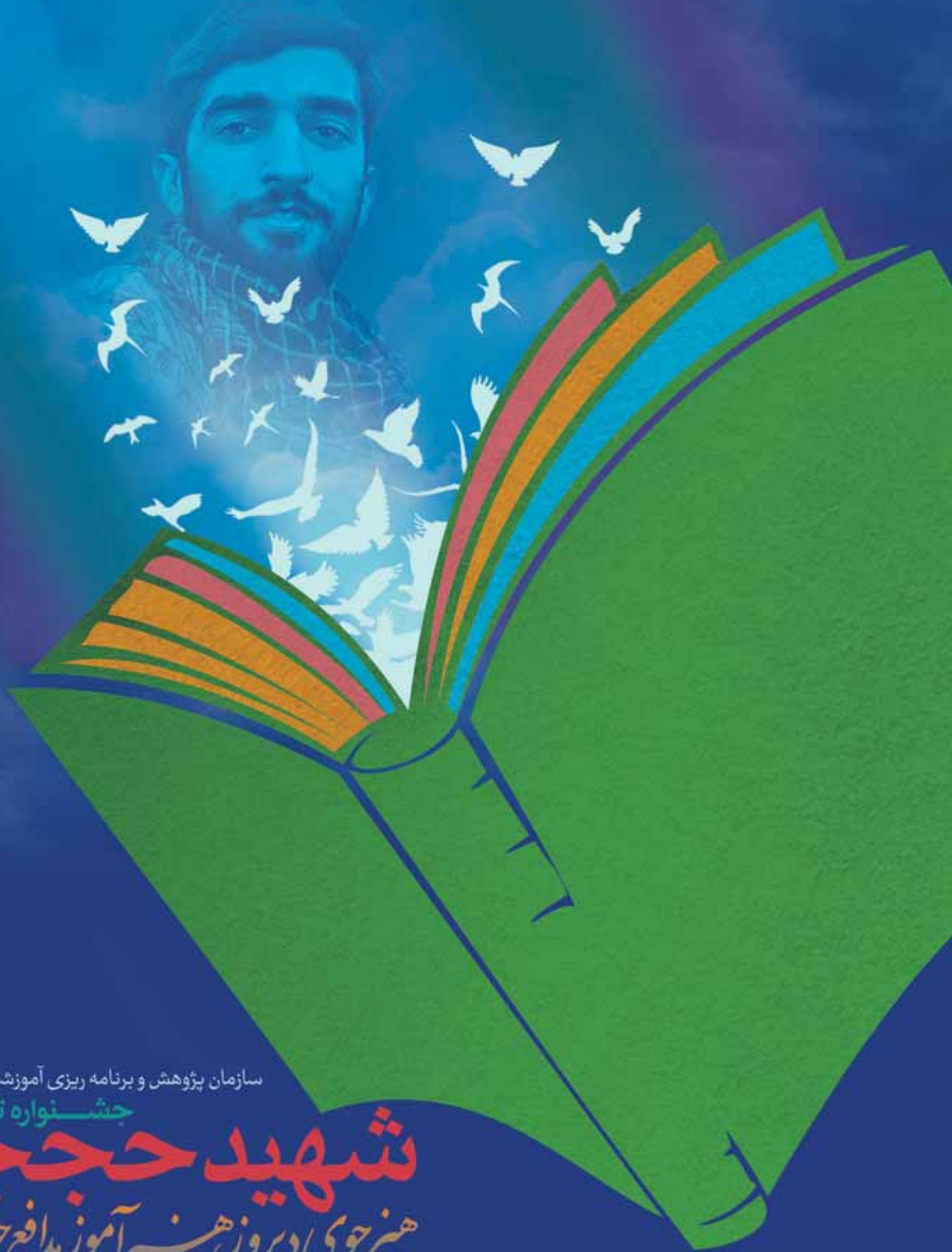
امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
- ♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
- ♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

- ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

هوش‌های چندگانه





سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برگزار می کند:

جشنواره تجلیل از

شهید حججی

هنرجوی دیروز، هنرآموز مدافع حرم امروز

از علاقه مندان دعوت می شود آثار خود در این زمینه اعم از

متن یک درس برای کتاب فارسی پایه دوازدهم، مقاله، کتاب، شعر، نقاشی، عکس، فیلم و ...

را حداکثر تا ۱۵ بهمن ماه ۹۶ به دبیرخانه جشنواره به نشانی ذیل ارسال نمایند:

● صندوق الکترونیک (ایمیل): oerp@roshd.ir ● کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ ● نمابر (فاکس): ۸۸۳۰۹۲۶۵

| شایان ذکر است پس از بررسی آثار دریافتی، از صاحبان آثار برگزیده در جشنواره به نحوی شایسته تقدیر به عمل خواهد آمد |

تلفن تماس: ۸۸۸۳۱۶۱۰۹ (تلفن مستقیم دبیرخانه جشنواره: ۸۸۳۰۹۲۶۵)

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان کریمخان، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان ۴ وزارت آموزش و پرورش (شهید موسوی)، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی